

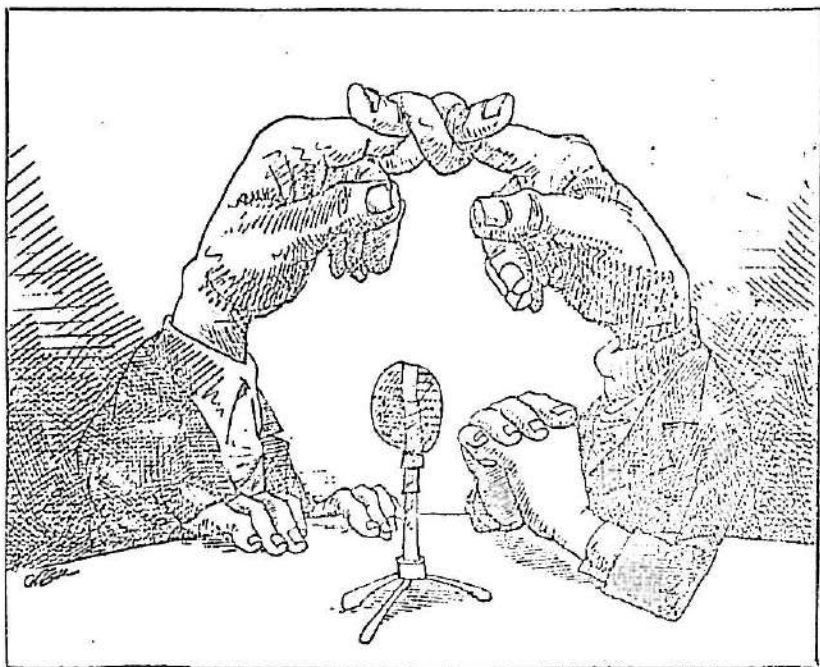
متن مناظره رئیس جمهور

۱۸

۱

کادر رهبری سازمان

چریکهای فدائی خلق



تکثیر از :

سرکسولگری جمهوری اسلامی ایران ۳۱ منچستر

با قاطعیت در برابر آنها عمل خواهیم کرد. این چیزی است که ما گفتیم و عمل می‌کنیم. امیدوارم که این بحث‌های آزاد محلی برای آن برخوردارها دیگر در کشور ما باقی نماند و این آغاز خوبی برای ادامه باشد. حال بر شما است که باین ترتیب شروع کنید.

اظهاریات استانداران مازندران

من در طول چند ماهی که با این مسئولیت کار خودم را در استان مازندران شروع کردم، بر اساس مسئولیتی که بمن واگذار شده بود ایجاب میکرد که در سطح استان بر اساس اختیارات و امکاناتی که دارم فعالیت را که میتوانم شروع کنم و رشد بدهم انجام دهم. تردیدی نیست یکی از آن نقاط که باید به آن حساسیت میداشتیم مسئله گنبد بود و من از همان روزهای اول احساس کردم که گنبد آنچنان جایی است که دولت در آن نفوذ ندارد و نمیتواند تصمیم بگیرد. ما در آنجا شخصی را بنام فرماندار قرار دادیم و لی به آن عنوان که فرماندار نماینده استاندار باشد و استاندار نماینده مرکزی باشد و مالا با یک خط مشی واحد مشترک تصمیمات دولت در گوشه‌های از این کشور پیاده بشود این نیست و آن کس که در منطقه دارد تصمیم میگیرد نیروهای دیگری است و همه چهره‌های دولتی را در آنجا میدیدم، یا اساسا در اختیار نیستند و یا در برابر قدرت دیگری که بنام ستاد خلق ترکمن نام می‌برند و در پیوند با فداثیان خلق، و یا ببارت بهتر، سرچشمه فعالیت آنها فداثیان خلق بود، آنها کار را شروع میکردند و پیش می‌بردند و چهره‌های دولتی ما در برابر آنها ضعیف بودند.

آنچه که در گنبد روی داد، بعنوان یک معلول و حادثه است. از دیدنه تحقیق اگر ما خودمان را روی معلول ترمز بدهیم هیچوقت هیچ حقیقتی کشف نمیشود. معلول را باید با یک خط زنجیری از علل بقیب برد و دید که گنبدی که به آن صورت حادثه‌هایی را بوجود آورد، و چه بسا افرادی و یا آقایانی از حادثه‌ای که به آن صورت در سطح یک پدیده روینائی بود، نگران و ناراحت شدند، به بنییم پایه‌گذار این حادثه در گنبد چه کسانی بودند و از چه وقت این حادثه طراحی شده، تا اینکه وقتی قرار است نحوه مقابله دولت را با این حادثه تشریح کنیم ما از خود آقایان سؤال کنیم که بعد از اینکه این بحث و بررسی به آخر میرسد چه راه حلی بهتر از آنچه که رخ داد میتواند باشد.

آقایان در همان آغاز پیروزی انقلاب می‌بینیم در گنبد، که در حقیقت وابسته باین کشور است، مردمی که در آن زندگی

در تاریخ ۱۲ اسفند ۵۸، در یک مناظره تلویزیونی که مدت چهار ساعت و نیم بطول انجامید دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور - تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی - سرگرد افشار معاون فرمانده یگان گنبد - درازگسو فرمانده گنبد جمشید طاهری پور - علی محمد فرخی و فرخ نگهبان سه تن از اعضای کادر مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق - مهندس مصحف استاندار مازندران - رضائی از اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و درویش سرپرست سپاه پاسداران در گنبد قاپوس در رابطه با مسائل و وقایع گنبد و درگیری‌هایی که اخیرا در آن منطقه روی داده و همچنین در ارتباط با قتل چهار تن از افراد ستاد خلق ترکمن نظریات خود را بیان داشتند.

مقدمه بنی‌صدر:

بیشک در تاریخ معاصر جهان و اگر نگوئیم در تاریخ چند قرن اخیر جامعه‌های بشری این نخستین بار است که رئیس جمهور در یک بحث آزاد با کسانی شرکت میکند که آنها در بخشی از کشور یا بخش‌هایی از کشور بر ضد یک حکومتی که از انقلاب بوجود آمده است مسلحانه روبرو شدند.

این بحث آزاد باید از ریشه‌هایی مسئله شروع بشود و دوبخش داشته باشد - بخش اول مربوط باشد به چگونگی پیدایش مسئله در این قسمت از کشور که این را باید مقامات کشوری که در آنجا مسئولیت دارند شروع کنند و مدارک و اسنادی که دارند ارائه دهند و آقایان جواب بدهند. بخش دوم حادثه‌ای است که این بحث آزاد بخاطر آن حادثه پیشنهاد شده که حادثه گنبد است. در اینجا آقایان شروع میکنند نظرات و برداشت خودشان را از آن حادثه میگویند و مسئولین امور جواب‌هایی که دارند میدهند تا مسئله هم در عمق و ریشه شناسائی شده باشد و هم حادثه تا آنجائی که ممکن است بریتندگان و شنوندگان معلوم گردد.

همانطور که من در جریان انتخابات ریاست جمهوری گفته‌ام و این بحث آزاد میگوید که من به تعهداتی که پذیرفته‌ام عمل میکنم، با کسانی که با ما آماده باشند تا از طریق اینگونه بحث‌های آزاد مخالفتی اگر دارند اظهار کنند و اگر مبارزه‌ای دارند انجام بدهند ما در حدود قانون اساسی برای آنها آزادی عمل و بیان قائلیم و امکانات قائل هستیم، اما اگر ترجیح بدهند که این کار را نکنند و بخواهند مسلحانه با ما برخورد بکنند ما با آنها هیچ نوع ملاحظه‌ای نخواهیم کرد و به هیچ جیب و دادی هم اعتنا نخواهیم داد، و

آن نظرشان راجع بشورای دهقانی چیست؟ تاریخ تشکیل شورا، سؤال بعدی میگوید: بنظر روستائیان شورا محلی است برای حل اختلافات خانوادگی - حل اختلاف بین افراد - آیا شورا تا چه حد قرار است اختلافات خصوصی را حل کند؟ این سؤوالها رو به رشد است و بیانش میدهد و تازه این سؤال را آن ترکمنی که سواد ندارد و این سیاست ارشادی که همراه این سؤوالهاست پیدا است که خوراک لازم را هم به آن فردی که قرار است پاسخ لازم بدهد داده خواهد شد. آیا شورائماننده روستائیان است در رابطه با دولت برای چه نوع کارهایی و در چه مواردی؟ سؤال بعدی: برای آنکه شورا بتواند حق روستائیان را از دولت بگیرد بنظر روستائیان چه راهی باید درپیش گرفت؟ اول چیزی که بنظر می آید اینست که این شورای دهقانی که آنجا طرح شده این درحد فاصل ملت و دولت است. دولت اسلامی هم که قرار باشد حق ملت را بدهد نیست. اما این شورا وجود دارد و این شورا است که میتواند حق روستاها را از دولت بگیرد و اگر دولت توجیبی نکرد چه باید کرد؟

بعد سؤال میشود: از چه موقع بفکر کسب آگاهیهای سیاسی و اجتماعی افتادند؟ ما در اینجا می بینیم که در بحث و در خوراک دانی بیک جامعه، یک وقتی یک جانب خاصی را طی میکنیم و از دید خاصی به آن جامعه خوراک میدهم. این از دیدگاه اسلام قابل قبول نیست و از دیدگاه عرف هم قابل قبول نیست. پس حق در دنیا پهرشکلی که شما نگاه کنید حق است. از دیدگاه مارکسیسم از دیدگاه اسلام نمیتواند دونوع حق باشد. اگر در امر خاصی اختلاف نظر بود حتما یکی در خطا است. و این جلسه بخاطر این نیست که ما موضع تئوریکشان را دفاع کنند و پایگاه تئوریکشان را در برابر بود پیکروزی این کار را هم آقایان آمادگی داشتند که موضع تئوریکشان را دفاع کنند و پایگاه تئوریکشان را در برابر اسلام بررسی و تحلیل کنند اگر از ارزشهای لازم برخوردار بود و مدافع حق بود، آنوقت باین حرکتها ادامه بدهند آیا ستاد در این مورد موثر بوده است، چگونه؟ سازمان در این مورد چه اندازه موثر بوده است. نظر شورا درباره سازمان چیست؟ الان می بینیم که بشدت کوشیده میشود شورا و ستاد فدائیان خلق را هم پیوند بدهد بطوریکه از دیدگاه سیاسی یک خط سیاسی حاکم جدید در منطقه پدید بیاید بطوریکه انسانی که در گنبد نشسته است بخوبی به بیند که اگر قرار است یک مجموعه سیاسی هم بلند دل او برسد آن مجموعه سیاسی شورا است و ستاد و سازمان، تنها چیزی که مطرح نیست استانداری - حکومت اسلامی و این

قبیل مسائل. نظر شورا درباره برنامه هائسی که سازمان تاکنون در سطح روستا انجام داده است مثل برنامه گروه پزشکی - از شورا نظر میخواهند سازمان که آمده برنامه گروه پزشکی را در آنجا بوجود آورده و آقایان سابقه کاری را خواهند گفت آیا چه نظری شورا دارد. شورا فکر میکند که رابطه اش با دولت در آینده چگونه خواهد بود. در این رابطه از ستاد و سازمان چه انتظاری دارد. شورا خود را در مقابل ستاد تا چه حد مسئول میداند. شورا خود را در مقابل سازمان تا چه حد مسئول می بیند. نظر شما درباره وضع سیاسی آینده مملکت - نظر شما راجع به ماهیت دولت - نظر شورا درباره عناصر مرتجع و ضد خلقی روستا - چه اقداماتی برای خنثی کردن آنها اتخاذ شده و یا باید اتخاذ کرد - شورا از ستاد در این مورد چه انتظاری دارد. شورا از سازمان در این مورد چه انتظاری دارد - سؤال میشود، آیا ستاد نماینده تمامی ترکمنها است. آیا ستاد نماینده تمامی ترکمنها در رابطه با رورگوییان و غاصبین و استثمارگران و ادارات دولتی است، اینها بتدریج دارند موضع ستاد و شورا را در منطقه مطرح میکنند که اگر کسی حقی بشما خواهد داد همینها هستند. و از دولت هم باید این حق را گرفت و دولت هم حق بده بیست مگر. آنکه اسها نتواند بگیرند بعد یک سؤال عادی میشود که با ستاد نماینده همه ترکمنها است. بعد یک سؤوالی میکند که بصورت تصدیق است، یعنی گوئی پاسخ در سؤوال جوابیده. میگوید: روستائیان چگونه میتوانند از ستاد که نماینده تمام ترکمن و خلق ترکمن است در مقابل توطئه گران و عوامل ارتجاع مخفی و احياناً حمله متجاوزین دفاع و حمایت کنند. اگر یک سؤال عادی مطرح است که ستاد آیا نماینده خلق ترکمن است یا نه، چطور در سؤوال ۲۵۶ که باز یک سؤال است اینطور قاطع میگوید که ستاد نماینده تمامی همه افراد ترکمن است و آن فرد متفکری که ۳۰۴ سؤال را تنظیم کرده و باین صورت در گنبد ترویج کرده و روی آن کار کرده این دوتا سؤال را توجه داشته که آن سؤال را آنطور بپرسد و سؤال بعدی را اینطور. بعد میگوید که میزان این حمایت چقدر میتواند باشد و ستاد از آنها چگونه باید حمایت کند. برای اینکه توان و قدرت را در مقابل عوامل مرتجع و زورگوییان و غاصبین و ترفلحه های گوناگون دولت افزایش دهند چه راه حلی پیشنهاد میکنند؟ سؤال من از آقایان اینست که این چه نحو اساساً اندیشین است که باید مملکت ایران در خطوط مرزی از یک نحو الهام اندیشه ای برخوردار بشود و این دلسوزی هائی که به تعبیر فدائیان خلق در آنجا اعمال میشود که انسانها را دقیقاً

میکند آن خلق عزیز ترکمن و برادران ما هستند و واژه ای بنام ستاد خلق ترکمن صرفاً یک قالب است که چهره هائی در اخل این قالب فعالیت هائی را شروع کردند و فساد را بایه گذاری کردند که ریشه های این فساد را در این میز گرد مشب بشدت به تحلیل خواهیم گذاشت. آنوقت می بینیم که در حقیقت ستاد خلق ترکمن پوششی بوده برای آنکه در آن روش میخواستند فعالیت کنند و خلق ترکمن به آن معنا که انسانهای ترکمنی عزیز در حال سکونت در گوشه های از بنکسور باشند اساساً در پیوند با این ستاد خلق ترکمن بودند. ستاد خلق ترکمن میکوشیده با ارباب و فشار آنها را داخل این ستاد و پوشش بکشد و نشان بدهد که بنماینده ای از طرف دولت دارد این خط را پیش می برد و همه اینها را بر آغاز بعنوان مقدمه ای گفتیم که ما باین مقدمه خوراک خواهیم داد یعنی من اساساً هیچ بحث شعاری را دوست ندارم و بحثی که مرتب از محتوا جدا باشد، تا وقتی خوراک مستدل پیدا نکند بعنوان یک بحث قابل دفاع نمی شناسم و پنجا سببی خواهد بود که همه این بحث را از آن دید زانگوانه دکتر بنی صنر، نه بعنوان اینکه ایشان رئیس جمهور است بلکه بعنوان اینکه بهترین شکل برخورد با حوادث است و قرآن بارها این مطلب را تاکید میکند که اگر با انسانها اختلاف نظر دارید بر سر سیمز این اختلاف نظرها را به تحلیل بکشید، اگر حسن نظر باشد حقیقت روشن است. اطل روشن است و اگر هم خود انسان های درگیر در بحث خواهند به حقیقتی اقرار نکنند ۳۵ میلیون ملت ایران ناظم بین نشست است و او است که قضاوت خواهد کرد که چه کسی حق و چه کسی باطل میگوید. بنابراین این ما نیستیم که صرفاً میخواهیم یک توافق خائسی برسیم بلکه ما در معرض ۳۵ میلیون ملت ایران حقیقت را از ۲ دیدگاه مختلف عرضه می کنیم تا آنها بتماشای بنشینند.

پنخس ۳۰۴ سؤال در منطقه از همان آغاز پیروزی انقلاب ما می بینیم که یک برونده ای باین شکل بسیار منظم و اج ۳۰۴ سؤال در منطقه پنخس میشود. و شما میدانید که وقتی می خواهید یک سیاست ارشادی بمنطقه بدهید بهترین شکل اینست که انسانها را به سؤال برسانید و اگر خود آن سؤوالها را هم خوراک بدهید و آنها را همراه با نحوه سؤال هدایت کنید، باین حقیقت یک سیاست ارشادی است، باین معنا که عده خاصی این سیاست را بمنطقه تحمیل میکنند و ملت ایران بعد از آن فشار بیش از حد ۲۵۰۰ سال طاغوت، آن فشار که به بیکر حمله ما وارد شده وقتی این برداشته بشو

انسانهای را بسؤال رساندن و با یک خط مشی از پیش تعیین شده پیش بردن قابل توجه است. من از لابلای این سؤوالهای که تنظیم شده و سؤوالهای دهقانی در گنبد و همچنین ستاد خلق ترکمن و در پشتوانه این دو گروه فدائیان خلق این را رهبری میکردند بمرض تماشا میگذارم و شما می بینید که یک جامعه از نقطه ضعف و نقطه قوت هر دو برخوردار است. وقتی این جامعه دارای وحدت نظر باشد، نقطه ضعفها را با دید انتقاد اصلاحی نگاه میکنند. ولی وقتیکه دوست و دشمن و دو گروه رودر روی هم قرار گرفتند هر یک میکوشند نقطه ضعف دیگری را بزرگ کنند و نقطه قوت او را نادیده بگیرند و خواهید دید در این حرکتی که ما خواهیم کرد فدائیان خلق در آنجا میکوشیدند تا اگر نقطه قوتی در دولت وجود دارد بکلی نادیده گیرند و اگر نقطه ضعفی وجود دارد زیر میکروسکپ بنمایش بگذارند و نقطه ضعفهای خودشان را هم از بین برند. این حرکت دو گروهی است که بعنوان یک درگیری و تضاد و اعمال دشمنی کارشان را شروع میکنند و خواهیم دید که به چه شکل پیاده مینمایند.

سؤوالی باین صورت طرح میشود که آیا اعلامیه های سازمان و ستاد بدستمان میرسد؟ بین سازمان فدائیان خلق و ستاد ترکمن نظرشان درباره این اعلامیه چیست؟ البته سؤوال بعدی هم روشن میکند که منظور از سازمان چه است. ستاد را هم باز میکند. چون این سؤال، سؤال ۸۶ است که من عنوان میکنم بسته به حرکتی است که در بحث دارم بنابراین این قسم از سؤوالهای را که مطرح است بازگو میکنم. آیا محتوای اعلامیه ها برای شان قابل فهم است؟ سؤال بعدی: فکر میکنید اعلامیه ها چگونه باید نوشته شود، درباره چه مسائلی باید نوشته شود، آیا ترجیح میدهند بزبان محلی و ترکمن همیشه نوشته شود چرا؟. یعنی می بینیم وقتی قرار است یک گروهی تلاششان این باشد که گوشه ای از این مملکت را به تجزیه بکشند باید بنیادهای فرهنگی - مذهبی - اقتصادی - سیاسی و اجتماعی شان را عوض کنند. اگر یک وحدت کامل بین تمام افراد ملت ایران باشد برای نیروی مقدور نیست صدها برابر فدائین خلق که گوشه ای از این مملکت را بتوانند جدا کند ولی وقتی حرکت بگونه ای باشد که از مدت ها پیش بیایند در داخل یک جمعیتی حرکتی را به صورتی پایه گذاری کنند که بتدریج بنیادهای آن جامعه از بنیادهای ایران بکلی جدا بشود، نتیجتاً این مقطع براحتی جدا میشود و با مدارکی که امشب عرضه میشود پدید آوردن ایالتی بنام ترکمن صحرا آسان خواهد شد.

در برابر دولت و نظام حاکم قرار بدهند. آیا این همان فرمان امام خمینی است که در آغاز گفت و وحلت کلمه. آیا جز این بود که همه نیروها با هم ترکیب بشوید و بر اساس وحلت کلمه پیشروی کنید و دست بدست هم بدهید مشکلات را از بین ببرید آیا آقایانی که منفر متفکری باین صورت هستند حتماً می‌توانند ۳۰۴ سؤال را باین شکل خوراک بدهند و در یک منطقه‌ای مقدمات تمایلات ضد دولتی و ملی را پایه‌گذاری کنند اگر این مفزهای متفکر در راه وحلت ملی بکار میرفت و جامعه ایران را بصورت یک جامعه متحد در برتو آنچه که حق است که من میگویم اسلام و اگر آقایان از موضع تئوریک معتقدند اسلام حق نیست و بحق دیگری رسیده‌اند آنرا هم امدادی خودشان را اعلام میکردند که از پایه‌های تئوریک‌شان بنویسند در یک کشور اسلامی دفاع کنند و بعد بپایند باین اقدامات تن بدهند.

بعد سؤال میکنند، بعد از دولت قلی چه پیش‌امدی را پیش‌بینی میکنید؟ من در خانه‌ام نزد زن و بچه به خانمم بگویم تو فکر میکنی امروز که من میخواهم بروم استانداری آیا چطور میشود؟ آیا من فردا هم با استانداری خواهیم رفت؟ همه‌اش از دیدگاههای منفی و انسانها را به یک خودآگاهی بر ضد خودآگاهیهای ملی رساندن و واقعاً باید بگویم این چه خطمشی است که باین صورت طی شده است. بنظر روستائیان سرنوشت دولت بکجا منتهی میشود. گوئی انتظار است که هر چه زودتر این دولت از بین برود همانطور که همین الان هم این انتظارات بچشم میخورد که دولت در اجرای کارها تضعیف بشود و نتواند حرکتش را انجام بدهد و آقایان بگویند در جهت حکومت ملی و فعالیتهای مشترک و واحد در سطح کشور در برتو آنچه که نامش حق است کدام همکاری را کرده است. جالب اینکه به آن سوالی که در آخر میرسیم فکر میکنید باندازه کافی برای توضیح آن جا گذاشته شده. فکر میکنید چه روشی باید اتخاذ کرد که در جنگ احتمالی آینده پیروز شد؟ بنابراین می‌بینیم که اینطور خوراک دادن و بعد آماده کردن و بعد اعلام خطر کردن که یک جنگی در پیش است اگر این احساس را بمنطقه ندهیم چطور میتوانیم خانه‌ها را تبدیل بسنگر کنیم. چطور میتوانیم افراد را مسلح کنیم و منطقه را از ورود هر مقام دولتی مانع بشویم. حالا با این سؤال می‌بینیم که یکجا سؤال شده میزان نفوذ مذهب در روستا. اگر جامعه‌ای در خطر نفوذ مذهب قرار بگیرد جامعه از دست رفته است. از نحوه سئوالات بی‌فایده است. حق ملا و اخوند از تولید. نظر اخوند

در باره جنبش خلق ترکمن - موضع گیری وی در مقابل منافع خلق ترکمن در رابطه با دولت - نظر وی راجع بدولت. نظر وی راجع به سازمانهای مترقی - یعنی باید مشخص بشود در این منطق آن کس که یک چیزی در دور سرش دارد یا در منطقه ترکمن وقتی میگوئیم روحانیون عزیز اهل تسنن ما و برادران عزیز ما که بنا به آیه ان المؤمنون اخوه از دیدگاه مسائل سیاسی - اقتصادی و عمرانی در خدمت رئیس جمهور عرض میکنم هیچ فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد و هر نوع پارازیتی باین معنا مورد تأیید هیچ مقام مسئول و دولتی نیست همه این انسانها در این جامعه از ارزشهای حاکم باید برخوردار باشند، نه اینکه با روشهایی بیاند اختلاف بین شیعه و سنی را ترویج بدهند و بعد هم آنچنان آخوندی مورد نظر باشد که بتواند ستاد خلق ترکمن را ترویج کند و مدافع فدائیان خلق باشد و حرکتش اینگونه باشد که گرنه آن آخوند مورد قبول نباشد. بعد از قیام در طول جنگ ۶ روزه آن آخوند چه نقشی داشته است؟ نظرش راجع به شوراهای چیست؟ آیا روستائیان را تشویق به تشکیل و رجوع به شوراهای میکنند؟ آیا برای شوراهای تبلیغ میکنند؟ منظور نفوذ مذهب است. جالب است که آقایان چه برداشتی از مذهب دارند. خیلی جالب است که وقتی می‌خواهند راجع به نفوذ مذهب در یک جامعه بحث کنند سئوالات از اینجا شروع میشود که کشف بشود آخوند در خدمت این حرکت است یا نه. ولی آنجا که آن سئوالات بعدی میشود می‌بینید همه این پرونده را تشکیل میدهد. ما می‌بینیم که وضع دولت در برخورد با این جامعه کارش بجایی میرسد که اینها در خواسته‌هایشان بطور صریح میگویند که کلیه مناطق که اکثریت آنها مردم ترکمن تشکیل میدهند بنام ایالت ترکمن صحرا شناخته شود و با توجه بشرائط جغرافیایی و اقتصادی و فرهنگی مناطق تقسیمات اداری جدیدی معمول گردد و این منطقه باید زیر پوشش یک تقسیم اداری جدید قرار بگیرد.

۱- اقلیت‌های ملی ساکن مناطق خودمختار با حفظ فرهنگ ملی خود از لحاظ اداری تابع حکومت منطقه خودمختار باشد یعنی استقلال کامل در آنجا باشد و تردیدی نیست سرفاغان بحث است.

۲- در مرکز ایالت خودمختار شورائی بنام شورای ایالت خودمختار تشکیل خواهد شد که اعضای آن با رای مستقیم و مشخص تمام مردان و زنان ساکن آن ایالت انتخاب میشود. ما می‌بینیم که نحوه حاکمیت آقایان در منطقه بجایی میرسد که حتی اگر یکفرد از دولت در این منطقه بخداد نفوذ کند حق نفوذ در آنجا ندارد و نه‌تواند در آن

منطقه اعمال نظر کند. یا در جای دیگر هرچه بیشتر قدرت سیاسی و حاکمیت شوراهای را گسترش دهیم و قدرت سیاسی مامورین دولتی را تضعیف نماییم.

در اینجا می‌بینید که خلاصه نظرات جلسه کمیته‌ای است که بتاریخ خلاصه آن نوشته شده و ما از آن فتوایی برداشتیم. میگویند که در جهت از بین بردن و لغو کلیه بدهیهای دهقانان و لغو مالیات‌ها حرکت کنیم راهزنی و دزدی باید با کوشش شورای البته از بین برود ولی می‌بینید که در اینجا تصریح دارد که اساساً ما باید مامورین دولت را تضعیف کنیم. تاریخ این اعلامیه ۵۸/۱۱/۹ است. جلسه کمیته روستائی. این یکی بتاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا. یا اینجا کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن است و باید کلیه مناطق که اکثریت سکنه آنرا مردم ترکمن تشکیل میدهند بنام ایالت ترکمن صحرا شناخته شود.

شرکتی است بنام شرکت اتکا و این یک شرکت ارتشی است، شما به‌بینید کار ستاد مرکزی شورای ترکمن صحرا به آنجا میرسد که برگ ماموریتی باین شکل صادر میکنند. از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا باعضاء این هیئت نمایندگی داده میشود تا در خصوص نگهداری و مراقبت اموال شرکت اتکا و جلوگیری از حیف و میل و بخصوص حمل غیر مجاز آن بدون اطلاع ستاد اقدام مقتضی معمول نمایند. حالا می‌بینید ستادی که هم آنجا را در اختیار داشته مدارک دیگری وجود دارد که برادران ما عرضه خواهند کرد که بر اساس آن مدارک کلیه اموالی را که ستاد خلق ترکمن میتوانسته تصرف کند متصرف شده و از تمام دستگاههای دولتی ما بهره‌مند شده و در عین حال بنام ستاد تمام شده و وضع گوسفندان آنجا به چه صورت درآمده و وضع کشت به چه صورت درآمده که من پیش‌بینی میکنم که این بحث بصورت میزگرد پایان این کار نیست. یعنی اگر قرار است کسانی که بیت‌المال را بشکلی هنر بدهند و در جهت اهدافی بکار برند این سؤال در پایان این میزگرد مطرح خواهد شد که ستاد خلق ترکمن در کارهای غاصبیت خود در گنبد اموال متصرفه را به چه اهدافی اعمال کرده و این اهداف بپایوریکه مدارک آن عرضه خواهد شد اگر رابطه دقیق ستاد خلق ترکمن را با کردستان اثبات کرد، آنوقت باید دید که این بهره‌وری اقتصادی و مالی بنفع ملت نبوده و برای رشد دشمن علیه ملت بکار رفته است.

میس آقای رضائی از اعضای شورای فرماندهی سپاه

پاسداران چنین گفت با درود بشهدای اسلام و با درود به شهدای انقلاب اسلامی و با درود به روح پاسدارانیکه صادقانه خدمت را در راه خدا و خلق خدا بر گزیده‌اند. شب و روز از سرحدات این ایران بزرگ حفاظت کردند و درود به پاسدارانی که امپریالیسم امریکا در جاسوسخانه خود نقش درجه اول را به آنها داده بود. سندهای جاسوسخانه امریکا همه دال بر اینست که «مسئله مهم مملکتی را اینها در نظر داشتند اول قوای انتظامی و در رأس سپاه پاسداران و بعد تخریب‌های اقتصادی که در رأس آن مسئله نفت قرار داشت.»

همانطور که برادرمان اشاره کردند گروههای قدرت طلب در جهت پیاده کردن حاکمیت و تفکرات خود در بعضی از نقاط و مخصوصاً نقاط حساس و مرزی ما بر آمدند. محورهای بحث برادر دقیقاً در رابطه با مسائلی بوده است که کتون ما با مدرک آنها را برای ملت قهرمان ایران روشن خواهیم کرد. این آقایان از روشهای تزویر و تهدید و تحویل بهره می‌جستند. اینها در پوشش ستاد خلق ترکمن در منطقه‌ای که خلقهای زیادی وجود دارد و در پوشش صطلاحات و مفاهیم مذهبی و ملی سعی در اعمال قطنظلهای خاص و مزوی شده خود داشتند.

نامه‌ای است از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا. امه با آیه قرآن برای روستای «تکلر» شروع شده است. موضوع باین صورت بوده که چون عده‌ای از مردم آنجا بر لبه این آقایان و بر علیه نقطه‌نظرهای فاشیستی این آقایان پیام کردند اینها نامه‌ای مینویسند و دقیقاً خودشان را ملیس بن مفاهیم ملی و خلقی میکنند. در این نامه نوشتند که اتحاد و یکپارچگی ترکمن مشیت کوبنده‌ای بر دهان تجاوززین بحقوق خلق ستمیده است. اکثرن عده‌ای علوم‌الحال با پخش اعلامیه دروغین بنام روحانیون اهل سنت میخواهند صفوف فشرده خلق ترکمن را بر هم زنند و ار دیگر قصد دارند با فریب دادن افراد ساده روستائی آنان را میدان درگیری و کشتار بزنند. عجیب است. روحانیون روغین میشوند و مردم هوشیار و آگاه ما که یکی از بزرگترین ابرقدرتهای جهان را بمقب نشانده‌اند و بزرگترین مشتهای گره کرده را بر دهان اینها در صحنه تاریخ و مخصوصاً در منطقه اشوب طلب خاورمیانه کوبیده‌اند بصورت افراد ساده روستائی تلقی میکنند. اینها ادامه میدهند که همین افراد با آن روحانیون اهل سنت با نفاق افکنی در میان مردم بمقاصد شوم خود جامه‌معمل بیوشانند اینک لازم

میدانیم شما همدار دهیم که فریب این قبیل اعلامیه‌های تحریک‌آمیز که جز ایجاد تفرقه در میان مردم ندارد نگردید. عجیب است در ستادی که دقیقاً وابسته به چریک‌های فدائی بوده که تمامی مدارک ما همانطور که قبلاً نشان دادیم که متأسفانه در رادیو تلویزیون درست منگس نشد و وابسته باین چریک‌ها بوده اینها از آیات قرآن استفاده میکنند، باز تزویر هیگری.

مردم در تاریخ ۵۸/۴/۱۰ به سپاه پاسداران نامه‌ای نوشته‌اند ریاست محترم پاسداران انقلاب گنبد قباوس و شکایتی نوشته‌اند این عنوان خط میخورد و در مقابلش ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نقش می‌بندد. آیا اینست طرز برخورد با ملتی که از امریکا - صهیونیسم و عوامل آنها ۷۰ سال زیر شدیدترین شکنجه‌های طباغوتی بسر برده‌اند شما چگونه می‌خواهید در مقابل این خلق مستضعف و ملت محروم ما جوابگو باشید. و باز در اینجا نامه‌های بسیار زیادی که به امام امت نوشته‌اند چگونه ماه‌ها در این ستاد خاک خورده است و عجیب است، ای برادران ترکمن اگر صداهای شما و نامه‌های شما بگوش امام نرسید بدانید که این نامه‌ها در این ستاد ترکمن که باصطلاح از شما پیروی میکرد مانده بود و خاک خورده بود.

همانطور که از اسم شورا پیدا است شورا نمایندگان واقعی یک جامعه یک ده و یک روستا است. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تاریخ ۵۸/۲/۱ اسامی زیر با انتخاب اکثریت اهالی بعضویت شورای دهقانی روستای سونیه مختوم شناخته شدند. ۵ نفر اسم برده شد یاری مختومی - جلیل عطائی - همینطور تا نفر پنجم آقای مختومی و بعد کسانی که نماینده این اکثریت هستند ۵ نفرند. چطور ممکن است در یک انتخاب آزاد و دمکراتیک که در سطح یک ده ۷۰ خانواری که حداقل ۱۴۰ نفر جمعیتش باید باشد ۵ نفر امضا میکنند؟ اگر این قسط یک نمونه بود ما می‌گفتیم اشتباه صورت گرفته است ولی نمونه‌های بسیار زیادی در اینجا وجود دارد. اسامی شورای دهقانی «ایمن‌علیا» باز ۵ نفر است که در تاریخ ۵۸/۱/۲۴ انتخاب مورد توافق اهالی قرار گرفت و ۵ نفر زیر آنرا امضا کردند.

مسئله بدی شیوه اختناق و تهدید بوده است. آیا ملتی که اینهمه شکنجه دید و ظلم و تهدید و در سیاه‌چال‌ها بهترین فرزندان را انداختند، آیا الان که انقلاب شده مستحق اختناق است. آقایان شما به چه عنوانی در تاریخ ۵۸/۱/۳۰ با افراد نامبرده زیر چنین نامه‌ای را مینویسید. رجب بلاق

علمراد بلاق - یوسف شیرمحمدلی - آق محمد حاجی و محمد برنار نژاد دستور اکید داده میشود روز شنبه ۵۸/۲/۱ در اولین فرصت برای پاره‌ای توضیحات خود را به ستاد مرکزی شورای ترکمن صحرا معرفی نمایند. سرپیچی از این درخواست باعث اقدامات بعدی خواهد شد. عجیب است که در اینجا ما را بیاد همان تصفیه‌های فیزیکی می‌اندازد. نامه دیگر از ستاد مرکزی به نوروز تو کلی. شما اطلاع

داده میشود برای روشن شدن بعضی مسائل فردا ۵۸/۸/۱۸ قبل از ظهر خود را به ستاد مرکزی معرفی کنید در غیر اینصورت با شما پیشکل دیگری رفتار خواهد شد. در یک جمع دمکراتیک آیا شما حامیان دمکراسی هستید و با مردم مستضعفی که سالها در زیر شدیدترین شکنجه‌ها در زیر دست فئودالها و مرمایداران منطقه گنبد دست و پا می‌زدند. و عجیب‌تر اینکه در رابطه با دولتی که منتخب راکتین ملت ایران است و رابطه با ارگانهای این دولت طرحهای نظامی و شناسائیهای زیادی کرده بودند و توضیحی که برادر عزیزمان آقای مصحف دلند. از یکطرف زمینه جنگ را دقیقاً در اذهان بوجود می‌آوردند و اثناء می‌کردند که یک جنگی در آینده درگیر است و غیر مستقیم مردم ساده آنجا را در اذهان آنها ایجاد شک و بدبینی میکردند. از طرف دیگر نامه‌های این مردم هم که بگوش امام و دولت نمرسید. در اینجا سندی وجود دارد که دقیقاً پاسگاه «دشت برون» شناسائی شده محل اسلحخانه و رودخانه‌ای که از طرف «دمیرن» و از جنوب پاسگاه عبور میکند و موتورخانه برق دقیقاً در اینجا

منگس است باز یک مدرک دیگر وجود دارد که پاسگاه دیگری را شناسائی کردند که در یک طرح ضربتی که بعداً برادر عزیزمان از نزدیک شاهد آن جریان بودند برای شما توضیح خواهند داد و باز چیزی که در هیچ منطقی قابل بخشودگی نیست استفاده از فئودالها بوده یک روشی که با پیچیدگی قابل توجه نیست آقایان شما چگونه از فردی که با شمس پهلوی از عوامل و ایادی این جنایتکاران تاریخ بودند برای پیشبرد مقاصد خودتان استفاده کردید شما سپاه پاسداران را متهم میکنید که با فئودالها رابطه دارد؟ سپاه پاسداران اگر چنین بود که امریکا از آن وحشی نداشت و ما امپواریم که مردم قضاوت همیشگی خودشان را خواهند داد قضاوتی که پشت دشمنان این مرز و بوم را بلرزه نرآورد. این قضاوت، قضاوت خلقها است قضاوت عده‌ای قنرت‌طلب و انحصارگر نیست. این مدرک در مورد فردی بنام حاجی نوری مومدی از وابستگان رژیم قبلی است که در خانه

ایشان انبار مهمات و انبار آذوقه بوده و ما از برادران خواهش کردیم، گفتیم شما بروید با مردم صحبت کنید بروید این سنگرها را ببینید که چطور این سنگرها را درست کردند و گویا که بزرگترین دشمنان خودشان را در قلب ملت ترکمن پیدا میکردند و میخواهند بزنند و دقیقاً در خانه این شخصاً ضد انقلابیون بودند که مدارک آن را که برادر دیگرمان ارائه خواهند کرد، افرادی که کارت عضویت ستاد ترکمن را داشتند دقیقاً زمین بسیاری داشتند و قبلاً وابسته رژیم بوده که خدمت‌تان خواهند گفت.

پس از آن بنی صرر گفت: اینکه می‌گوئید وابستگان، این مبهم است، بنظر مردم باید روشن حرف زد. اینکه می‌گوئید با وابستگان رژیم رابطه داشتند، اولاً باید دید این فئودال است، همین شخصی که اسم بریدید، و ثانیاً آن وابستگان دیگر چه کسانی هستند که اگر خواستند جواب بدهند بدانند به چه چیز جواب میدهند.

بعد یکی دیگر از افراد سپاه پاسداران در توضیح این مطلب گفت: در رابطه با این مدرکی که شما گفتید، ایشان نه تنها فئودال و سرمایه‌دار بزرگ بود، بلکه فئودال و سرمایه‌داری در رابطه با رژیم سفاک پهلوی بوده و ایشان کسی بوده که با خود شمس پهلوی مستقیماً در تماس بوده و عکس‌هایش همانطور که خدمت‌تان ارائه دادیم کاملاً منگس بود.

سپس یکی از اعضای سازمان چریک‌های فدائی خلق گفت: خواهش میکنم اسنادی را که دال بر ارتباط این شخص، با ستاد شورا همانطور که وانمود میشود بما هست، بمردم ارائه بدهید. بعد از آن یکی دیگر از اعضای سپاه پاسداران، در مورد ارائه این اسناد گفت: سندی که ما می‌خواهیم بملت ایران ارائه بدهیم، منازلی است که اینها در آن سکنی داشتند و مرکز مهمات و آذوقه بود و در هر منزلی حداقل ۵ تنگ برود که ما از تلویزیون خواهش کردیم، بیاید از این سنگرها فیلمبرداری بکنند و برای مردم بنمایش بگذارند که چطور شد گروهی از وابستگان رژیم - فئودالها و چریک‌های فدائی در یک منطقه دست بدست هم دادند و علیه جمهوری اسلامی قیام کردند. این کاملاً مشهود است و یکی دیگر از آنها آقا محمد صالحی است که ما همه این اسناد را از خود ستاد بدست آوردیم و پرونده‌هایشان وجود دارد و ما خلاصه‌ای از اینها را یادداشت کردیم تا بمعرض نمایش عموم بگذاریم. ما در اینجا فتوکپی این اسناد را ارائه میدهم و دقیقاً این اسناد را در یک نشریه ارائه خواهیم داد.

در یکی از این اسناد آقای دکتر مختوم شهنازی که در منزل وی مقدار زیادی مهمات بدست آمده است، نامبرده عضو کانون جهانگردی کلوب شاهنشاهی ایران بوده است.

یکی از اعضای کادر چریک‌های فدائی خلق در توضیح این اسناد گفت: سندی را که حاکی از اینست که این شخص عضو کادر مرکزی ستاد بوده به پیشگاه مردم عرضه کنید. عضو سپاه پاسداران در این رابطه اظهار داشت: دقیقاً اسنادی بوده که در آنجا بدست آمده و این آقای دکتر مختوم شهنازی که یکی از سران کانون بوده و در اینجا انکاس پیدا کرده، چیزی نیست که ما بخواهیم آنرا بپوشانیم. مدارک این آقا کاملاً وجود دارد و ما اینها را منگس خواهیم کرد ما از همه فئودالها به انصورت مدارکی بدست نیاوردیم، چون موقمی که برادران ما حمله کردند اینها در حدود یکساعت بود که مقاومت میکردند و مدارک اصلی را از بین بردند. اگر ما میتوانستیم آن مدارک اصلی را که در آنجا است بدست می‌آوردیم همان کاری که در رابطه با سفارت میتوانستیم انجام بدهیم - قطعاً براحتی این اسناد را ما در اینجا نشان میدادیم، و ملت ما قضاوت میکند. سابقه این افراد را ما میتوانیم در روزنامه و در پیام انقلاب که نشریه سپاه است بافرست و صفحات زیادتر و ارائه صحیح‌تر مدارک جرم ارائه بدهیم. اگر شما می‌خواهید علل اصلی مسئله را با طرح یک سؤال جانبی بانحراف بکشانید من فکر میکنم این مسئله اشتباهی است.

یک سند دیگری هست یعنی بعضی از این عوامل که در ارتباط بودند عناصری بودند که در ساواک کار میکردند و یکی از این اشخاص بنام «شوقی» که سرپرست ستاد در بنر شاه سابق که پرونده‌های ایشان در ساواک گرگان است و تا آخرین روز انقلاب هم گزارشش یا دستخط خودش به ساواک موجود است. ما بنده میتوانیم این مدارک را بیاوریم و ارائه دهیم.

یکی از اعضای کادر مرکزی چریک‌های فدائی خلق در پاسخ به این مسائل گفت: با پیروزی انقلاب ملت ایران، عناصر وابسته به حکومت پهلوی بتدریج از منطقه فرار میکردند و همراه با اوج گیری مبارزات دهقانان در ترکمن صحرا، مردم ترکمن مسحرا به تشکیل شوراهای دهقانی پرداختند. این شوراهای دهقانی از همان آغاز کار مصادره زمینها - کاشت و برداشت محصولات را بهمه می‌گرفتند. پس از قیام در بیشتر مناطق ترکمن صحرا، این شوراهای توسط دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا ایجاد شد و ما اینجا در کتابی که به

پیشگاه مردم نشان میدهم و منتشر شده از طرف کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی ترکمن صحرا، فعالیت این شوراهای را توضیح داده است.

مردم، زمینهای زمینداران بزرگ، اموالشان، هم آن چیزهایی که در طول دوران پهلوی از خود مردم غارت شده بود، همه آن چیزهایی که زمینداران بزرگ - فئودالها و درباریان یا به شیشه کردن خون مردم از مردم غصب کرده بودند، پتربریج در ترکمن صحرا پس میگیرند و شوراهای دهقانی ترکمن صحرا روز بروز رشد بیشتری میکند و این کار سرزرها بوده است. البته تشکلی، همان چیزی که آقای استاکلر خیلی با آن مخالفند و ما خیلی با آن موافقیم و معتقدیم که مردم ما از طریق تشکلی میتوانند با امپریالیسم امریکا و تمام ایادی آن در ایران مبارزه کنند. تشکلی یکی از دستاوردهای شوراهاست و شوراهای در این زمینه به وظائف خودشان ادامه میدهند. من در اینجا درباره شوراهای زیاد صحبت نمیکنم فقط این را میگویم که شوراهای دهقانیان زحمتکش ترکمن صحرا، نزدیک به ۴۰۰ پارچه آبادی منطقه ترکمن صحرا تشکیل میشود، توسط خود دهقانان مبارز ترکمن صحرا و البته روشنفکران انقلابی خلق ترکمن، مانهائی که فاجعه ترورشان امروز ایران را بلرزه درآورده و فردا همه جهانیان از کم و کیف آن مطلع خواهند شد، از فعالترین سازمان دهندگان این شوراهای بودند از دل خود مردم برآمده بودند و انتخاب شده بودند و در غایت هم به رهبری این شوراهای دهقانی رسیده بودند. اما اینجا اول باید این قسمت را بگویم که این شوراهای اتحادیههای منطقه‌ای با هم متحد شده بودند و دست آخر هم در اتحادیه سراسری شوراهای دهقانی خلق ترکمن تشکلی میشدند. ستاد شوراهای خلق ترکمن یعنی همان مرکزی که مرکز شوراهای دهقانی خلق ترکمن بود و مقامات رسمی مملکت بعضی‌ها آنرا لانه لاسد خواندند، به هماهنگ کردن کار این شوراهای و کوشش در جهت هماهنگی کشت و زرع - دامداری و تمام فعالیتهای کشاورزی منطقه میپرداخت.

آقای استاندار، این وظیفه شوراهای است. از همان آغاز پیدایش این شوراهای طبیعی است که پس ماندگان رژیم پهلوی - زمیندارانی که هنوز امید به پس گرفتن زمینها از دهقانان زحمتکش دارند، شبکه‌های جاسوسی ساواک و سیا که هنوز در ایران پس از یکسال که از قیام میگذرد افشا نشده، و ما از فردای قیام تا به امروز بر این نکته پا فشرده، همه اینها بر علیه این شوراهای و انواع دسیسه‌ها

پرداختند و این طبیعی است در هر انقلابی هست، سورا چه در کارخانه و چه در روستا چه در اداره و چه در هر جای دیگر خواست مردم است و قبل از همه خواست کارگران و توده‌های زحمتکش ما است، این شوراهای ترکمن صحرا تشکیل شد و فرزندان مبارز خلق ترکمن توماج - مختوم - جرجانی و واحدی شهید و دیگر رفقایشان، اینها هم از دل همین شوراهای درآمدند و رهبری این شوراهای را داشتند و برای این شوراهای کار می‌کردند و این را هم باید اضافه کنم که کار را به آن شکل می‌کردند که ۲۲ ساعت در شبانه‌روز کار میکردند و گاهی روزها نمیتوانستند زن و بچه‌شان را بهیچینند. این وظیفه شوراهای در منطقه بود. ایادی رژیم سابق ادامه دادند، فئودالها و عناصر مرتجع محلی که مسلماً وجود دارند و فکر نمیکنم آقایان منکر این باشند که عناصر مرتجع و فئودالها - زمینداران بزرگ و بازمانده‌های ساواک - سلطنت طلبها هنوز در ایران هستند، اینها به انواع دسیسه‌ها بر علیه این شوراهای می‌پرداختند و انواع جلیات و دروغها و این ادامه دارد. در فروردینماه هم در گریه‌های ترکمن صحرا بوجود می‌آید، ریشه‌های آن در گریه‌ها توضیح داده شده و در این کتاب است، و همین فرزندان شهید خلق ترکمن توماج - جرجانی - واحدی و مختوم اینها برجسته‌ترین نقش را در جلوگیری از این جنگ تحمیلی داشتند. اینها از طرف سازمان ماموریت داشتند پسر ترتیبی که شده جلوی درگیری را بگیرند اینها به همراه بسیاری از رفقای دیگرمان. آن جنگ تحمیلی تمام شد و خیلی از مقامات رسمی آن زمان، علیرغم همه تبلیغات سوئی که رادیوتلوویزیون بر علیه چریکهای فدائی خلق ابراد کرد، اعتراف نمودند مقامات رسمی مملکتی که اعضای سازمان کوشش کردند برای از بین بردن زمینهای این درگیریها و در حفظ صلح هر کاری را که نوانبستند کردند و این را در روزنامه‌های آن موقع میتوانی بخوانید. این دسیسه‌ها ادامه داشت و البته ما معتقدیم که بازماندگان رژیم سابق - فئودالها - سلطنت طلبان و عوامل امریکا هنوز در دستگاههای اداری هستند و نفوذ دارند. مگر همین دو روز پیش نبود که دانشجویان بیرو خط امام سندی را نشان دادند که به اعتقاد ما همه صحبتها و حرفهای ما را در روزنامه کار، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق که یکسال است میگویم، تأیید میکند. مگر فرمانده نیروی درباری حکومت، عامل امریکا نبود یا نیست، بنابراین طبیعی است که این شوراهای بایستی وجود داشته باشند و بایستی بر علیه عناصر

مرتجع متشکل باشند. اتحاد مردم باید حفظ بشود، این خواست مردم سراسر میهن ماست و طبیعی است که خواست دهقانان ترکمن صحرا هم بوده در ترکمن صحرا شوراهای رشد قابل ملاحظه‌ای یافتند، بخوبی که نمونه شدند در میهن ما. شوراهای دهقانی ترکمن صحرا امروز نمونه‌ای از شوراهای واقعی دهقانان در میهن ما است و بهمین دلیل هم است که اینهمه کینه‌توزی و دشمنی نسبت به این شوراهای شده، از جانب همان عواملی که گفتیم. من مختصر می‌گویم در این کتاب و در نشریات سازمان ما تشریح میکنیم کاملاً، اما چون وقت کم است بسرعت می‌آئیم روی اتفاقاتی که روز مربوط به برگزاری سالگرد قیام است.

آقای استاندار در ضد و نقیض گوئی به اعتقاد من استناد است. ایشان در روز یکشنبه ۲۱ بهمن در روزنامه جمهوری اسلامی گفته‌اند: «برای برگزاری این راهپیمائی از سوی مقامات مسئول موافقت شده و طبق گزارشهای رسیده بدنبال معانت گروهی از احالی این درگیریها بوقوع پیوسته است». من فقط میخواهم زمینه‌های تناقض آقای استاندار را بگویم و بعد بروم سراغ صحبت‌های بعدی ایشان.

«استاندار مازندران تأکید کرد با وجود تذکراتی که به مردم داده شده بود مخالفت با ادامه راهپیمائی از طرف آنها و بدون رابطه با دستگاههای اجرائی صورت گرفت و بر اثر پرتاب سهرای و شلیک تفنگ ساچمه‌ای حدود ۲۵ نفر زخمی و کشته شدند.» می‌بینید که در اینجا آقای استاندار، خودش هنوز همگام و همراه نشده با آن جناحی که معتقد به جنگ و خونریزی هستند بنابراین می‌پذیرد که اجازه داشته و می‌پذیرد که حمله شده است و در جای دیگر هم توصیه میکند که «مردم شرافتمند گنبد» در آزادگان ۲۱ بهمن ماه یکشنبه چاپ شده است - من در این لحظات حساس از شما برادران و خواهران درخواست میکنم که مطلقاً در درگیریهای خیابانی شرکت ننمائید و تعدادی افراد معدود را که تصمیم بر شرکت در زد و خوردها دارند تنها بگذارید.» و اینجا حتی توصیه میکند که تضادها را تشدید نکنید. روز ۲۴ بهمن تمام شده، خانه‌های مسکونی مردم به توپ و تانک بسته شده. من خودم رفتم آنجا، دیدم دهها خانه روی سر مردم خراب شده، روستای «بدلجه» را با خاک یکسان کردند و آقای استاندار حق دارد که اینطور بگوید: «عبدالمی مصحف استاندار مازندران بر اساس شواهد و مدارک موجود گفت افرادی که باید گفت ضدانقلاب و ضدخلق و ضدخدا هستند تحت پوشش ستاد ترکمن و در واقع ضد خود ترکمن

مشکل ساز منطقه بوده‌اند و سنگرهای بوجود آوردند که این سنگرها بوسیله توتلهائی به چندین خانه ارتباط دارد و قس علیهذا» خلاصه تا آخر، ایشان در این زمینه آمدند. و در آخر هم گفتند با توجه به مدارک جاسوسی بدست آمده، همان مدارکی را میگویند که در اینجا نشان دادند و حتی مردم میهن ما همه دیدند و ما معتقدیم که خود این مدارک کلی افشاکری است که من حالا صحبت خواهم کرد، با توجه به مدارک «جاسوسی» بدست آمده مسلم شده است که این افراد دشمن اسلام‌اند و اینجا جانی نیست که بشود با نرزش و محبت با آن مواجه شد، که البته مردم میهن ما هم میدانند که مسئله اینکه کوشش میکنند مردم ما را به ضداسلام بودن متهم بکنند یا غیرمذهبی بودن و به این ترتیب زحمتکشان ما را بفریبند این مسئله آقای استاندار نیست. این يك سیاست جهانی امپریالیسم امریکا است که نمونه‌اش در لبنان همه مردم جهان شاهدند، و نمونه‌اش انگلستان در شبه‌قاره هند کرد وقتی که جنبش ضداستعماری مردم شبه‌قاره هند اوج میگرفت، امپریالیسم زیرک بریتانیای کبیر کوشش کرد بین مسلمانان و غیرمسلمانان شبه‌قاره هند اختلاف بیاندازد و در این کار موفق شد البته بخاطر ناآگاهی مردم شبه‌قاره و خوشبختانه مردم ما دیگر آگاهند و همانطور که میدانیم این اختلافات باعث شد که هزاران نفر از مردم زحمتکش شبه‌قاره کشته بشوند و سلطه امپریالیسم جهانی هنوز هم بر بخشهایی از شبه‌قاره وجود دارد و پاکستان نمونه آن میباشد.

آقای استاندار اینجا گفتند: ما به معلول‌ها کاری نداریم، و به این ترتیب خواستند از مسئله جنگی که در آنجا درگیر شده جنگی که به مردم ترکمن صحرا تحمیل شده از آن طفره برونند. اینجا همانطور که همه مردم میدانند میتینگ بوده که مربوط به سالگرد قیام سیاهکل، حمله شده و آن جنگ درگیر شده. البته قرار شد این را در بخش دیگری از صحبت‌ها پاسخ بدهیم. بنابراین من این را فقط میگویم این مدارکی که آقای استاندار در اینجا نشان دادند آیا مردم را بیاد همان مدارک مقام امنیتی که می‌آمد چریکهای فدائی خلق را به سازمان تخریب و خرابکاری معرفی میکرد شباهت ندارد. آیا صحبت از اینکه مردم راجع به اعلامیه‌های ما چه فکر میکنند. آیا صحبت اینکه آیا مردم راجع به تشکلی چه فکر میکنند. یا مردم راجع به عناصر مرتجع محلی چه فکر می‌کنند، این صحبتها نباید بشود. من این را از آقای

رئیس‌جمهور سؤال میکند و از ایشان میخواهم به این مسئله پاسخ بدهند که این سؤالاتی که اینجا شده بود، آیا این سؤالات به آن آزادیهای سیاسی که شما قبول دارید برمیگردد یا نه؟ یعنی شما قبول دارید که یک چنین آزادیهای سیاسی در این مملکت بعد از دهها هزار کشته باید باشد یا بعد از اینهم ما باید یک چنین سؤوالی بکنیم و استاندار مملکت باید در تلویزیون و نقش مقام امنیتی را بازی کند.

بنی‌صدر گفت: ایشان نمی‌گویند که شما چرا سؤال کردید، ایشان می‌گویند شما یک پرسشنامه درست کردید برای تبدیل یک هموطن بیک دشمن، شما اگر جوابی دارید برای این بدهید، می‌گویند که شما استثمارکننده و فئودال را یک دولتی کثارث گذاشتید و دولت انقلاب را حاصل از ۹۹ درصد رأی مردم را کردید نماینده این آدم‌هایی که الان خودتان اسم بردید و این مردم را مسلح کردید در برابر این دولت، این را جواب بدهید.

یکی از چریک‌های فدائی خلق گفت: اگر صحبت مسلح‌شدن مردم را می‌خواهید مطرح بکنید، که این مربوط شده‌اند قسمت دیگری از این بحث، بعد من برای شما می‌گویم که مردم، آقای رئیس‌جمهور در جریان مبارزات دهرمانانه‌شان، وقتی که پادگانهای ارتش شاه، ارتشی که آن‌وقت شاید در ایران نبودید ولی خبر داشتید آقای بنی‌صدر، عمه اینها را من روشن میکنم. مردم از پادگانهای ارتش شاه اسلحه گرفتند. مردم همراه با نیروهای انقلابی پادگانهای ارتشی که دهها هزار تن از مردم ما را به شهادت رساندند و صدها هزار نفر را زخمی کردند، باعث خانه‌خوابی و فقر مردم ما شده بود مردم در جریان قیام این پادگانها را تسخیر کردند و یک مقدار اسلحه بدستشان افتاد، از این مردمی که اسلحه بدستشان است و ما معتقدیم همه مردم بایستی در ارتش ۲۰ میلیونی متشکل بشوند، ما معتقدیم که سلاحهایی در دست مردم است، مردمی که انقلاب کردند و این سلاحها را از ارتش گرفتند، همه در یک ارتش خلقی متشکل میشوند همراه با پرسنل انقلابی، همراه با آن پاسدارانی که جان بر کف گذاشتند و با رژیم جنگیدند و امروز اکثریت پاسداران را تشکیل میدهند ولی متأسفانه در آنها جناحهایی بوجود آمده که کوشش میکند اینها را بدنام کند، همراه با اینها بایستی ارتش ۲۰ میلیونی را درست بکنند و البته عدلی از این مردم هم هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق هستند. من در اینجا میخواهم سؤوالهای آقای استاندار را پاسخ بدهم و بعد مسئله تفنگ دوربین‌دار را که

مینویسد: «سه تا از پاسگاههای مرزی ایران و شوروی را چریکهای فدائی خلق اشغال کردند» و این يك دروغ محض و بی‌اساس است. تفنگ دوربین‌دار هم مثل همین، و بقیه هم همینطور. بنابراین ما از اینگونه صحبت‌هایی که شده در روزنامه انقلاب اسلامی اگر وقت بکنیم می‌رسیم و مطرح می‌کنیم.

استاندار مازندران در پاسخ به سؤال چریک فدائی خلق گفت: از این خط‌مشی را که من تشریح کردم و هیچ تشبیه امنیتی ندارد و بنده از این کار شما سابقه داریم که موافقی که در متن اظهارات طرف نمیتوانید بحث کنید اتهام می‌زنید. من صریحاً از شما سؤال میکنم این خط‌مشی سؤالات از دوست دشمن میسازد، دفاع کنید.

سپس یکی دیگر از اعضای چریک‌های فدائی خلق در رابطه با این مسئله گفت: آقای استاندار می‌پرسند که باید به سؤال ایشان جواب داده بشود که طوری این سؤالات تنظیم شده است که از دوست دشمن میسازد. می‌گوید آنکه را حساب پاک است از محاسبه چه پاک است.

این سؤالات را یکبار دیگر مرور میکنیم. همانطوریکه شما خواندید طی این سؤالات ابتدا از مردم پرسیده میشود سبب به هر مسئله‌ای که به زندگی آنها مربوط است، تک‌تک سؤالات را شما بخوانید می‌بینید که از مردم و دهقانان رکن صحرا که در شوراهای دهقانی متشکل شده‌اند پرسیده میشود که درد شما چه است، چگونه فکر می‌کنید که کشت باید برداشت بشود، چگونه فکر می‌کنید که آگاهی شما افزایش پیدا کند، و چگونه فکر میکنید که ما بتوانیم در فلهای مان را که اعتقاد داریم حرفهای کارگران و دهقانان مردم ما است، بگوئیم که بتوانیم بر آن خیمه‌گاهی که فراشته کرده بود، که به اعتقاد ما این خیمه‌گاه همچنان هنوز افراشته است. رژیم برای اینکه مردم ما را و دهقانان کارگران ما را میهن ما را زیر سلطه خود بگیرد فقط به نوب و تانک آقای فلاحی متکی نبود، به دوربین شما متکی بود. بینیم دوربین ما در زمان شاه سینه مردم را نشانه گرفت، مردم قضاوت بکنید، تفنگ چریکهای فدائی خلق در مان محمدرضا سینه مردم را نشانه میگرفت یا تفنگهایی که دهشت فلاحی‌ها بود. من تقاضا میکنم که اجازه بدهید حرف خود را بزنم.

یک افسانه است و آقای رئیس‌جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی خیلی مطالبی گفتند که اصلاً از اساس واقعیت‌ندارد آقای رئیس‌جمهور در روزنامه‌شان در همان ۲۱ یا ۲۲ بهمن

در تمامی این سؤالات اعتقاد ما به اینکه باید به مردم متکی بود. باید از مردم راهنمایی خواست، مردم هستند که قدرت لایزال هستند، مردم بودند که پادگانها را فتح کردند ما این را اعتقاد داریم و انرا بکار می‌گیریم. هر جا که شورایی دهقانی ساخته شد از شوراهای دهقانی می‌پرسیم و بر اساس نظری که مردم میدهند، راهنمایی میکنیم. این وظیفه ما است از مردم می‌گیریم، به مردم میدهیم. تمامی این سؤالات اگر شما دقت کنید چیز این حاصل ندارد. از مردم پرسیده میشود همانطور که شما گفتید که فکر میکنیم یک زندگی بهتری داشته باشید، کاشت بهتری داشته باشید، تمام اینها از مردم پرسیده میشود و جای هیچگونه ابهامی هم برای شما نمیگذاریم.

من یک چیزی شما بگویم آقای استاندار، میدانید چه کسی از سؤال می‌ترسد. این را دهقانان و کارگران مملکت ما هم میدانند. آنکه چیزی ندارد، هیچ ابثائی ندارد که چیزی را مخفی کند. کارگری که نان در سفره ندارد، دهقانی که کمرش زیر بار وام بانکها خورد شده، چه دارد بیوشاند هر کجای این جامعه را دست بگذارید دلیل بر براءت آن است. هیچ ترسی از سؤال ندارد کسی از سؤال می‌ترسد که بخواید چیزی را پوشیده نگاهدارد و اینها کسانی هستند که چیز دارند. بر این اساس اینکه ما سؤال طرح می‌کنیم و از مردم می‌خواهیم که نظر خودشان را نسبت به هر مسئله‌ای بگویند، و بر اساس نظریاتی که از مردم می‌گیریم، متکی به نظریات آنها و حقایق که در جریان زندگی خودشان است، منعکس می‌کنیم.

در مورد اسلحه گفتید فکر میکنم مسئله اساسی شما است. مردم اسلحه می‌خواستند وقتی که در جریان مبارزات خودشان دیدند که دشمن‌شان اسلحه دارد. وقتی دشمن اسلحه داشت، یعنی ارتشش بود که الآن هم است - نمی‌دانم چرا هست، مردم درک کردند. تجربه ۵۰ سال اختناق پهلوئی در این مملکت بود - مردم درک کردند که باید اسلحه بدست بیاورند، رفتند اسلحه‌ها را پیدا کردند. امروز مردم نگاه میکنند آقای استاندار، بر خلاف نظر شما مردم می‌بینند که دشمن‌شان اسلحه دارند یا نه. آقای رئیس‌جمهور من شما می‌گویم بر خلاف نظریاتی که حضرتعالی دارید، مردم ما اعتقاد دارند که آری می‌بینند که دشمن‌شان اسلحه دارند چطور. خیلی ساده، می‌بینید شوراهایی که در ارتش توسط سربازان - درجه‌داران و پرسنل انقلابی می‌خواهد بوجود بیاید که رهبری ارتش را

بمده بگیرد که این شوراهای باشد که دستور آتش‌بس میدهند خواهان اینست که شورا در ارتش اینطور باشد. آقای رئیس‌جمهور اعتقاد دارد این غلط است باید فرماندهان تصمیم بگیرند و سرپیچی از دستور فرماندهان گناه است. مردم نگاه میکنند می‌بینند اگر فرماندهی ارتش مثلاً در دست شوراهای سربازان و درجه‌داران نباشد سربازانی که پدرش کشاورز یا برادرش کارگر است آن اگر فرمانده باشد که دستور آتش به کارگر و دهقان نمیدهد، فرمانده او میدهد که با امپریالیسم آمریکا همانطور که همین پریروز در روزنامه‌تان نوشتید پیوند دارد می‌بینید که دشمن است که فرمانده تانکها است، دشمن است که تمام سلاحهایی که امروز برادر پاسدار تو فکر می‌کنی که در دست تو و ارتش است می‌بیند که چه کسانی فرمان آتش میدهند. می‌بینید اینها دوستان مردم نیستند به تجربه خودش هم فهمیده. ما یک کاسه نمی‌کنیم به معنی این نیست که دوستان مردم در بین آنها نباشند ولی مردم می‌بینند که دانشجویمان خط امام گفته‌اند. می‌بینند سازمان چریکهای فدائی خلق از اول قیام گفت.

آقای رئیس‌جمهور من از شما می‌پرسم اگر بخوایم در جبهه مردم باشیم چه سختی باید بگوئیم. من می‌گویم اگر می‌خواهیم در جبهه مردم باشیم باید سخن مردم را بگوئیم و به همه مردم بگوئیم، مردم دشمنان شما سلاح دارند و تا زمانیکه دشمنان شما سلاح دارند شما هم باید دارای سلاح باشید.

بنی‌صدر: اگر شما برای مردم احترام قائلید برای ما روشن کنید که شما واقماً منتقد باین حرفهایی که می‌زنید، ما همین فردا از مردم رأی می‌گیریم. اگر مردم موافق بودند که شما در این و آن نقطه کشور مسلحانه در برابر دولت بایستید، ادامه بدهید.

چریکهای فدائی: نخیر آقای رئیس‌جمهور ما صحبت میکنیم از اینکه مسئله تسلیح توده‌ها را چگونه باید حل کرد. بنی‌صدر: جواب من را بدهید می‌گویم اگر مردم فردا در یک همه پرسی گفتند موافق نیستند شما مسلح باشید و موافق نیستند شما مسلحانه در برابر مردم بایستید شما اسلحه‌تان را تحویل میدهید یا نه؟ شما می‌گوئید مردم هر چه گفتند انرا گوش میدهند، اگر ما رقتیم از مردم پرسیدیم، ۹۵ درصد مردم گفتند شما رأی مردم را قبول میکنید یا نه؟ - عضو چریک فدائی خلق: ۹۵ درصد مردم مگر نگفته بودند «بازرگان نخست وزیر محبوب» بقول شما. امروز آیا بازرگان نخست‌وزیر محبوب ۹۵ درصد مردم ایران است؟

بنی‌صلوة چه ربطی بهم دارد؟ شما داشتید روضه مردم را می‌خواندید. ممکن است مردم امروز موافق باشند فردا هم مخالف بشوند این حق مردم است. مردم روزی آمدند راهپیمائی کردند ۹۵ درصد گفتند مهندس بازرگان را بعنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری قبول داریم. ممکن است امروز رای بگیریم یا نگیریم؟ این حق مردم است. ما از شما می‌پرسیم شما که دارید روضه مردم را می‌خوانید اگر این مردم بشما گفتند آقا ما با درگیریهای مسلحانه در این جا و آنجا می‌کشورمان موافق نیستیم. این اسلحه‌ها را می‌آورید تحویل میدهید یا نه؟

- عضو چریک فدائی: وقتی ما از آقای رئیس‌جمهور سؤال می‌کردیم معتقد بودیم که آقای رئیس‌جمهور پادداشت کنند وقتی که نوبتشان میرسد جواب بدهند ولی همینجا مطرح کردند باین دلیل این بحث پیش آمد. منتها حالا آقای رئیس‌جمهور صحبت را ادامه بدهند من می‌خواهم پاسخ آقای استاندار را بدهم.

بنی‌صدر: شما گفتید که ما سئوالاتی کردیم کسی باکی ندارد نه این سئوالها نیست که ترس دارد نوع سئوالها است، هدلی که تعقیب می‌کنید حرف دارد برای دومین بار این پرسشنامه را ورق زدم چند نوع سؤال را مشخص کردید. سئوالهایی که لازم است برای جستن ضعف‌ها که آنها به رژیم ما مربوط نیست به رژیم سابق مربوط است. سئوالهایی که شما می‌خواستید اقیان بکنید که این دولت همچنان دولت سابق است و شما با این دولت بالاخره خواهید جنگید. آخر هم می‌پرسید که سرنوشت این جنگ احتمالی چه خواهد بود. جرف اینست يك دولتی که ظرف یکسال و انقلابی بسوسیالیستی هم در اینجا و آنجا هم شده است درویش‌تر جنگ پایان یافته این دولت در ظرف یکسال یا قانون زمین که پنجشنبه گذشته تصویب کرد، بانکها را ملی کرده، بیمه را ملی کرده صنایع در حدود ۸۵ یا ۹۰ درصد ملی شده انبارهای عمومی را ملی کرده مسئله زمین را بطور قطع حل کرده و این در تاریخ ما این قانون هیچوقت سابقه نداشته است و مطلب مهم اینست که ما چه می‌گیریم از این مناطقی که شما «دولت» را گذاشتید در این سئوالها. در این زمره استثمارگران دولت بعنوان استثمار کننده چه از آن منطقه گرفته است و آن درآمدی که از نفت حاصل میشود چرا شما در گذشته با ایجاد محیط برخورد و این مرزبندی‌هایی که در این پرسشنامه‌ها آشکارا شما در پی ایجاد آن بودید، مانع از این شدید که این پولها در آنجا خرج بشود و حال آنکه

قانون زمین در مورد ترکمن خیلی بیشتر از این قانونی که مربوط به سراسر کشور است تصویب شده. اگر شما واقعا علاقه داشتید باینکه مردم آن سامان زمین پیدا کنند و زندگیشان بهتر شود شما باید مریفتید دنبال همکاری. شرایط فراهم کنید که این کار بهتر و سریعتر انجام بگیرد نه اینکه همین ضعف‌ها را پنهان کنید و آن مردم را مقابل بکنید با قوای دولتی. و می‌گوئید که ایشان بیم از تشکل داشته است در حالیکه قانون شوراها را ما تصویب کردیم. ما هیچ بیمی از تشکل نداریم بعکس کوشش داریم برای اینکه است. مسئله اینجا است شمامی گوئید بیم از تشکل دارید. نه صحبتیم از تشکل نبود صحبت این بود که شما چه روشی را بکار می‌برید تا آن ضعف‌ها و نارسائی‌های منطقه را تبدیل کنید بیک عامل، هر چند دولتی که از انقلاب برخاسته و هیچ هدفی نمیتواند داشته باشد جز اینکه کشور را از سلطه امپریالیسم مستقل بکند و به مردم خدمت نماید. شما حالا اگر همان تئوریهای خودتان را هم قبول میدانستید یعنی می‌فهمیدید آن تئوریهای

چیست و عمل می‌کردید باید در این مرحله بقول خودتان صد در صد از این دولت حمایت می‌کردید. در حالیکه از روز اول هر جا بر ضد دولت عمل شده شما آنجا حاضر بودید. انتقاد يك مسئله است و مسلح کردن و جنگیدن يك مسئله دیگر است، مگر شما نگفتید چرا انتقاد می‌کنید گفتم آنرا بگذارید زمین، بیاید انتقاد کنید. گفتم که بهتر است شما در يك جامعه انقلابی هیچ نیازی ندارید به اسلحه برخ دولت کشیدن و زمینه آماده کردن برای اینکه مناطق کشور را بجنگ بکشید. شما میتوانید انتقاد کنید و نارسائی‌ها را از بین ببرید. ما خیلی انتقاد را منتهم می‌شماریم.

شما می‌گوئید که این شوراها چنین و چنان. اول گفتم که قانون شوراها را دولت تصویب کرده و هیچ باکی هم از شوراها نداریم.

مسئله اینجا است که اولاً این شوراها را جواب ندادید. ایشان می‌گویند شوراها را من در آوردی خود شما بوده است.

- عضو چریک فدائی خلق: چرا همه مردم ترکمن صحرا از آن حمایت میکنند؟

بنی‌صدر: مسئله اینجا است که شما چه وظیفه‌ای برای این شوراها قرار دادید در این پرسشنامه‌ای که مطرح کردید وظیفه آن شوراها جنگ با دولت است نه کمک بحل مسئله دهقانی در محل. نه کمک به از بین بردن ضعف‌های آن منطقه. اینها ابراداتی است که بشما می‌گفتند. شما

میتوانستید کمک کنید به تشکیل شوراها برای حل مسائل واقعی مردم والا اینکه چون تو ترکمن هستی در آنجا غیر ترکمن هم هست. چرا برای آنها ستاد درست نکردید؟

- عضو چریک فدائی: سئوالاتی که ما از ایشان کردیم و بطور کلی حرکت ما تدارک برای جنگ با دولت نیست. این را نشان بدهید.

بنی‌صدر: از سؤال ۲۹۳ تا ۳۰۴ درباره جنگ است. جنگ گنبد را چگونه تفسیر میکنید؟ بنظر آنها جنگ از طرف چه کسی شروع شد و علت و ریشه‌های شروع جنگ و عامل اصلی آن چه بود؟ من هر چه بلد نیاشم کار من جامعه‌شناسی بوده و من میدانم شما چه نظری دارید. آیا قبل از جنگ پیش‌بینی می‌کردید که جنگی در بگیرد؟ آیا فکر میکنید جنگ دیگری در خواهد گرفت؟ برای پیشگیری و جلوگیری از جنگ فکر میکنید باید چه کار کرد؟ در صورت وقوع جنگ چه واکنشی نشان خواهند داد؟ آیا فکر میکنید نتیجه جنگ بنفع آنها بوده بخاطر چه عامل؟ نقش دولت بنظر آنها در جنگ چه بوده است؟ نقش کمیته‌ها در جنگ بنظر آنها چه بوده است؟ نتایجی که جنگ برای آنها داشته است؟ آیا فکر میکنید اگر جنگی در بگیرد بنفع آنها است؟ فکر میکنید چه روشی باید اتخاذ کرد که در جنگ احتمالی آینده پیروز شد؟ اینها سئوالهای القائی است اینها را آماده می‌کردند برای جنگ. حالا از شما يك سؤال میکنم در کجای دنیا سراغ دارید که يك رژیم که متکی است به رای اکثریت مردم، این به مخالفین خودش اجازه بدهد مسلحانه با او درگیری بکنند و اگر شما بودید چون نمیتوانید بگوئید من نخواهم کرد باید بگوئید در این رژیم‌هایی که شما آنها را رژیم‌های صحیح میدانید در کدام يك از این رژیم‌ها به مخالفین دولت اجازه نفس کشیدن میدهند چه رسد باینکه مسلحانه جلوی دولت هم بایستد و بعد هم اینجا بیایند بنشینند با هم بحث از آن بکنند. در کجا از این دولت‌های سوسیالیستی که شما در دنیار دارید یا حتی احزاب آن. حزب کمونیست فرانسه داخل خودش به مخالفین رهبریش اجازه نفس کشیدن نداد. شما بیاید بگوئید کجای دنیا چنین اجازه‌ای میدهند که يك گروهی مسلحانه برود جلوی دولت بایستد. جایی را سراغ بدهید ما بفهمیم این کجا است. و اگر اجازه ندارند بسیار خوب شما چه حق دارید که مسلح باشید در برابر دولتی که با او خود را خصم میدانید. بعد شما گفتید که سیاست جهانی امریکا تقسیم به مذهبی و ضد مذهبی است. اما حرف اینست شما این را میدانید و بعد می‌روید اینطور از زمین‌ها استفاده

می‌کنید برای راه انداختن جنگ شیعه و سنی. از این مطالب زیاد است تردیدی برای کسی باقی نمی‌گذارد اصلاً شما در جاهائی که پیدا کردید و رفتید در آنجاها فسال شدید، کجا است. چرا سراغ زابلی و سیستانی نرفتید. اینها که از افراد دیگر مردم محروم‌تر هستند، مگر اینها جزو مردم نیستند. اینهمه جادر کشور است شما هر جا که رفتید دیدید میشود اختلاف مذهبی است شما آنجا تشریف دارید و مشغول هستید و در آنجا دایه مهربانتر از مادر هم شدید و کینه‌های مذهبی را برمی‌انگیزید. شما که اینها را میدانید چرا میکنید. شما که میدانید ما جنگ داریم با امپریالیستها اولاً یکی نیست و دوتا. آن آقا از شمال میزند این آقا از جنوب. البته این برای ما قابل قبول است که امریکا دشمن اصلی ما است، اما آنها هم هست نه اینکه یکبار نشست و تماشای ما را میکند. شما چطور شده که با علم باینکه امپریالیسم در کمین است و شب و روز برای ما توطئه می‌چیند اینهمه در تضعیف حکومت عمل می‌کنید. هر جا که ضعفی وجود دارد، آنها هم ضعف مال ما نیست، رژیمی کشور را بروز سیاه کشانده رفته است. ما امدیم می‌خواهیم این ضعف‌ها را جبران کنیم. این يك محیط سالم می‌خواهد. شما هر جا که می‌بینید آن رژیم وضعی در آنجا گذاشته در آن جا حاضر میشوید که آنرا تبدیل کنید بیک عامل اغتشاش و ضعف دولت. اینها را جواب بدهید چرا این کارها را می‌کنید؟ این اعلامیه را شما صادر کردید. در اینجا گفتید که آقای رئیس‌جمهور خود بزبان خویش گفته است که ما خانه‌بخانه خواهیم گویید این تازه ۱۰ درصد از قاطعیت ما است. شما که به رئیس‌جمهور يك کشوری که حرفش را هم در نماز جمعه زده و ۳۵ میلیون آدم هم شنیده است، این چنین دروغ آشکار از قول او می‌نویسید، رئیس‌جمهوری که در آنجا گفت که این ترکمن‌ها مثل زن به بچه امام هستند اگر کسی بخواید يك سر سوزن باینها ظلم و ستم روا بدارد ما با تمام قدرت او را می‌گوییم. بر میدارید اینطور تحریف و جعل میکنید و میتویسید ما کی گفتیم خانه بیه خانه را می‌گوییم. ما سنگر را گفتیم. من خودم حرف خودم را بدم. شما که اینطور آشکار به خودتان اجازه میدید دروغ بگوئید من حالا چطور باور کنم حرف‌هایی که اینجا می‌زنید راست است.

- چریک فدائی خلق: چون مسئله گنبد است خوب بود نمایندگان مردم ترکمن صحرا در اینجا می‌نشستند و صحبت میکردند و حرف‌های خودشان را می‌زدند. مردمی که تا حالا چهره‌شان روی صحنه تلویزیون نیامده و تمام این مصیبت‌ها

سر آنها رفته است. آنها حق دارند بیایند اینجا حرف بزنند. اول بار باید از دولت جمهوری اسلامی بپرسیم چرا اگر واقعا در فکر مسئله حل نشده گنبد است و در فکر بحث آزاد است، چرا شراطتی فراهم نکرده که تا امروز که شاید ۲۰ روز از جنگ گنبد میگذرد، از شدت بحران ترکمن صحرا میگذرد، چرا يك ترکمن چهره اش روی تلویزیون نیاید و جای آن من بیایم صحبت کنم. چرا امروز که دورین تلویزیون روز ۲۶ بهمن ماه است که من واقعا متاثر شدم دورین روی شهر گنبد بود و مردم هم میدیدند، چرا چهره يك ترکمن در شهر پیدا نشده کجا رفته بودند. چرا شهر را خالی کردند و رفتند چرا باید این مصیبت پیش بیاید.

ما خیلی مایل بودیم که آن صحنه اینجا بود و باید دید چرا آن صحنه نیست. اگر واقعا بخواهد ریشه یابی بشود ما این را لکه ننگ میقلیم بر دامن جمهوری اسلامی و از حرف خودمان هم دفاع میکنیم تا امروز که یکسال و چند روز از پیروزی آن میگذرد مسئله گنبد مطرح بوده، آقای رئیس جمهور هم معتقد به بحث آزاد هستند ولی چرا شراطتی فراهم نیست که ترکمن ها بیایند. مسائل خودشان را مطرح کنند. وقتی که بمسئله اصلی بحث امشب که جنگ گنبد باشد، می‌پردزیم، این فاجعه ای که اتفاق افتاد در چند روز پیش آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم، آنوقت روشن میشود که چرا آنها نمیتوانند بیایند اینجا بنشینند حرف بزنند. باید بپذیریم که ۵۰ سال سلطه پهلوی و ۲۰۰ سال سلطه استعمار مردم ما را مستضعف ساخته است.

آقای رئیس جمهور در صحبت های خودشان طی یکسال اخیر چه موقعی که رئیس جمهور بودند و چه موقعی که رئیس جمهور نبودند، مطرح میکردند که باید گروه های مسلح برچیده بشوند. باید همه زیر حاکمیت دولت مرکزی در بیایند. اینکه یکدولت میتواند در يك کشور وجود داشته باشد، شکی نیست و آنها باید اگر دموکراسی است متکی به رای اکثریت باشد. اما خلیفه دولت آنست که در جامعه امروز که تحت ستم استعمار هستیم آنست که مردم را مسلح بکند برای اینکه با سرمایه داری بچنگند برای اینکه با امپریالیسم بچنگند. برای اینکه کارگر و دهقان حقوق خودش را فقط بزور میتواند از سرمایه دار بگیرد و از ارباب های امریکائی بگیرد. فکر میکنم ایشان هم معتقد باشند که حق مردم و توده مستضعف را باید گرفت. سرمایه دار همینطور می نهد. آنها اگر سلاح داشتند قانونشان پیش میرود و اگر نداشتند قانونشان پیش نمیرود. ارتش ۲۰ میلیونی يك شمار

بسیار جالبی است که باید حتما اجرا بشود. همه مردم باید مسلح باشند نه اینکه خرج و مرج باشد و هر کسی سلاح بدست بگیرد و راه بیفتد، باید منظم و متشکل تحت رهبری با ایدئولوژی معین با سیاست معین اینها مسلح بشوند در برابر دشمن و بایستند. تا اینجا که همه موافقت ولی پای عمل که پیش میاید اینطور نیست. الان در همین ارتش که اسلامی شده تعداد زیادی از نمایندگان را اخراج کردند و تعداد زیادی از پرسنل انقلابی را اخراج نمودند و سابقه مبارزاتی هم داشتند و میدانیم که چه کسانی هستند. چرا مگر اینها خدمتگزار انقلاب و مردم نبودند؟ صحبت بر سر مسلح بودن من نیست، من هم گرچه يك کلت می‌بندم به کمرب. چکار میتوانم بکنم در برابر آن عظمت مردمی که ریختند به خیابانها و شاه را از مملکت فراری دادند و الان هم میخواهند بگیرند او را بکشند، حق شان است. ما می‌گوئیم چند نفر هستیم، دو هزار نفر بیشتر که نیستیم. ما بگوئیم دو هزار تفنگ روی دوشمان است. این مسئله ای را نمیتواند حل کند. يك سازمان سیاسی چند تا کادر دارد و چند عضو دارد که اینها میخواهند مسلح باشند؟ مسئله بر سر مسلح بودن يك سازمان سیاسی اصلا مطرح نیست. کدام يك از ما سلاح داریم. گفتیم که سلاح باید دست شما باشد نه ما. ما وظیفه مان چیز دیگر است.

بنی صدر: شما از ما نزدیکتر به کارگر و دهقان نیستید. شما جوش خودتان را بزنید. سؤال است راجع به شما، اگر من روزی رتم این رفاندم را کردم چه میشود؟

بنی صدر: شما از ما نزدیکتر به کارگر و دهقان نیستید. در این مورد گفتند که ترکمن ها در ستاد بودند این افراد ستاد با مردم پیوند نداشتند و دلیل ایشان را که توضیح دادم در مورد مسلح کردن مردم و سازمان مسلح بود که توضیح دادیم. در تانی باید خدمت ایشان بگویم که این مسئله ای که مطرح میکنند «ما همیشه کوشیدیم به مقابله مسلحانه با حکومت ایشان برخیزیم» این را توضیح میدهم که آیا چنین سیاستی را تعقیب کردیم یا نه. باید در عمل دید که این کار شده یا نه با حرف من نیست. از روز بعد از قیام مصاحبه های مطبوعاتی ما وجود دارد. تمام اعلامیه ها و نشریات ما هست تمام میتینگها و تظاهراتی که گذاشتیم همه اش هست. تمام کارهایی که کردیم پرونده دارد. به بینید ما در کجا بروی آن پاسلداری که میدانیم کی هست و میدانیم چگونه شکل گرفته است و نظر خودمان را در مورد سپاه پاسداران بگوئیم که چطور می‌باید بوجود آمده است. با این پاسدارها ما شروع بچنگ کردیم یا مردم را گفتیم با این پاسدارها بچنگند. در کردستان يك موقع شعار انحرافی میدادند میگفتند «ارتش برادر ما است و پاسدار دشمن ما است». ما با این شعار مقابله و مبارزه کردیم برای اینکه اینطور نیست و مردم هم روراست میگوئیم مردم باید بدانند که این شعارها انحرافی است. ما يك پیامی نوشتیم برای پاسدارها و به آنها نشان دادیم که چگونه میخواهند با جوانداختن آنها در کردستان و انزلی و گنبد که بعد از آن

تیمسار فلاخی بیاید بکردستان و دریادار مدنی بیاید به انزلی و بخواهد صلح برقرار کند که بعد ایشان دومرتبه برگردند به گنبد، مردم بمقابله با پاسدارها کشیده بشوند و این دشمنی در ذهن توده مردم کرد و انزلی و گنبد شکل بگیرد. این پاسدارها آیا جز آن کسانی بودند که قبل از قیام در تظاهرات شرکت کردند و آمدند مرگ بر شاه گفتند و بعد هم پیادگانها ریختند جزو همان مردم بودند سلاح بدست گرفتند بعد هم شدند سپاه پاسدارها، در اعلامیه هایمان هم این مطلب را نوشتیم برای اینکه حقیقت روشن بشود ما همیشه موظفیم حرف راست را بمردم بزنیم ما با این پاسدارها نمی‌چنگیم اینها جزو مردم میهن ما هستند. اینها جزو کسانی بودند که فرق میکردند با آن فرماندهان ارتش و میدانیم چطور تاج میدانند روی دوش این افراد. اینها با آنها فرق میکنند و همه جا این مسئله را بمردم توضیح دادیم اما در کردستان و گنبد به بینیم چه شد. روز ۶ فروردین میتینگ مسالمت آمیزی بود با سخنرانی و نطق طبق معمول.

در مورد اینکه ما نظرها در باره وضعیت کنونی جامعه مان همان وضعیت سابق است که ایشان پشت تلفن هم میگفتند هیچ چنین چیزی نیست. نظر ما این نیست ممکن است شما اینطور تبلیغ کنید و عمل ما هم این نبوده است اگر نه ما به همان شکل سابق حرکت میکردیم. ما معتقدیم که مردم شاه را سرنگون کردند و پیروز شدند. این پیروزی افتخار ما و تمامی مردمی است که در انقلاب شرکت کردند. هیچ هم قصد جنگ مسلحانه در میهن مان که با دشمن اصلی امریکا در گیر است نداریم و نداشتیم و وقایع گنبد و مسائلی که پیش آمده و وقایع کردستان ثابت میکند که «سازمان چریکهای فدائی خلق» تا آنجائی که توان در توشه داشته کوشیده جلوی برادر کشی و خونریزی را بگیرد و تمام مسلسل ها و قلمها را بسوی امپریالیسم امریکا بگرداند برای اینکه این مسئله روشن بشود باید پای حساب بیائیم. به بینیم که در گنبد کی چکار کرده تا روشن بشود که شما خدمت امپریالیسم امریکا کردید یا ما.

در مورد سئوالهای ایشان و آقای استاندار مقدار زیادی سؤال کردند رقا اینجا صحبت کردند و توضیح دادند که این سئوالات افتخار است برای سازمان ما. ما دفاع میکنیم و اگر شما سر تکان بدهید مردم ما قضاوت خواهند کرد که این سئوالات افتخار است برای سازمان ما یا این چنین نیست. تمام سئوالاتی که مطرح کردید و گفتید میخواهد

جدائی بیخاورد، دو مسئله اساسی در آن وجود داشت؛ یکی اینکه اینها سعی کردند چند تا اعلامیه هم خوانند بگویند منطقه ترکمن صحرا باید از نظر جغرافیائی تمام مردم در يك استان متشکل بشوند و از نظر اداری و دولتی و اینها تحت نظریه استثنائی که مرکزش هم گنبدباشد قرار بگیرد و این را بزرگترین توطئه برای تجزیه طلبی ما میدیدیم، من میخواهم بیروم آن سیاستی که آمده گفته این مردم ترکمن از نظر زبانی، فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب از هر نظری که بگوئید با هم مشترک هستند نصفشان بروند آنطرف و نصفشان بیایند اینطرف و بقیه هم بروند طرف دیگر، این چه سیاستی بوده؟ این سیاست دولت شاهنشاهی بوده که بر این مردم تحمیل شده است، آیا شما روی این سیاست صحه میگذارید که منطقه کردستان یا بلوچستان نصف آنرا بدهند به سیستان و نصف دیگر را بدهند بکرمان که چه بشود که این ترس و وحشت رژیم را از اینکه مردم بلوچ حق دارند بزبان خودشان حرف و با آداب و رسوم خودشان زندگی کنند این کار را نکنند از چه می ترسید که جلوی این کار را گرفتید؟ پس چرا آمدید سند رو می کنید که اینها آمدند گفتند مردم ترکمن باید بزبان خودشان حرف بزنند؟

بنی صدر: مترا اینجاست ایشان نیست میگویند شما از این نقاط ضعف استفاده میکنید برای برانگیختن او بر ضد حکومت. حکومتی که خودش میخواهد این چیزها را به آنها بدهد. جواب این را بدهید.

- چریک فدائی: ما تماما از هر جایی که حق مردم باشد همان را میگوئیم که این حق تو است، این حق تو است که شورا داشته باشی و روی زمینی که کار میکنی مال خودت باشد و محصولش را خودت برداری اگر شما از این قضیه ناراحت میشوید و اگر بجنگ دولت کشیده میشود در کجا تابحال يك متر زمین تقسیم کردید؟ در کجا تابحال اجازه دادند این خودمختاری که اینهمه روی آن صحبت میشود مطرح شده باشد؟

سؤال کردید در اینجا بزبان محلی حرف بزنید فارسی بهتر است حرف بزنید یا ترکمنی بهتر است حرف بزنید شوراها برائی چه میخواهد تشکیل بدهید، اگر دولت توجه نکرد شما چه میکنید. مگر دولت همیشه توجه میکند. تا امروز خبر نداشته که در ترکمن صحرا شورا تشکیل شده و مردم چه میکردند؟

در مورد اینکه گفتید مذهب را این را آن آقای پاسدار گفته است آخوند مرتجع آمده به ده و این را راه ندهید مگر

هر کس رفت زیر علم اسلام طرفدار مردم است مگر هر کس از علم اسلام درآمد طرفدار مردم است چنین چیزی نیست. ما در این کتاب سندش را نشان میدهم؛ این سندی است در مورد اناقلیچ آخوند نقشبندی است در منطقه ترکمن صحرا فعالیت می کرده و ۱۵ آخوند دیگر که یکی یکی پرونده ساواکی بودن آنها روشن است. ستاد اعلامیه صادر کرده و گفته است اینها را به ده راه ندهید اینها همان جماعت بدستپائی را که روز ۲۰ بهمن سال ۵۷ مردم را کشتند اینها باز هم میخواهند همان کار را بکنند.

بنی صدر: اگر شما قصدتان این قبیل افراد بود مشخص میگردید.

چریک فدائی: ما مرتجع را توضیح دادیم. گفتیم مرتجع کسی است که میخواهد جلوی نابودی سلطه امپریالیسم و نابودی سرمایه داری وابسته را بگیرد، ساواکیها هم جزو اینها است. حالا آنها هم میخواهند بکوشند که بگویند مرتجع بکسان دیگر هم میگویند ریگی است که در کنش خودشان است.

لازم است هم میهنان ما بدانند چون ما را متهم کردند باینکه فئودال را آوردیم در ستاد و ایشان گفتند که با سازمان ارتباط داشته و سعی میکردند بیوشانند، چنین چیزی نیست. ستاد اعضای سازمان بودند، اعلامیه ما میگوید رهبران خلق ترکمن رهبران ستاد شوراهای مرکزی ترکمن صحرا و چریکهای فدائی سازمان خلق هستند این چیزی است که افتخار ما است، میگویند ترکمن صحرا با کردستان ارتباط دارد ما يك سازمان سراسری هستیم و در سراسر ایران هر جا که بتوانیم و زلف انقلابی خودمان را پاسخ میگوئیم. این چیزی نیست که بخواهیم بیوشانیم. اما این را خود سپاه پاسداران مهم اینکه این سپاه همه شان یکدست نیستند و بسیاری توطئه ها در همین سپاه پاسداران رخ میدهد.

سپاه پاسداران افشاگری کرده روز هفتم اسفند و کیهان هم چاپ کرده:

«خبرنگار دیگری پرسید گفته میشود چریکها با فئودالهای منطقه همکاری نزدیک داشتند نظراتان راجع باین مسئله چیست. مسئول سپاه پاسداران جواب میدهد، پاسخ داده شد اسناد موثقی که رابطه چریکها را با فئودالها نشان بدهد بدست نیامده است.» در روزنامه کیهان سه شنبه هفتم اسفندماه افشاگری چاپ شده است.

اول در روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۶ اسفند چاپ شده بعد پاسدار چکار کرده تحقیق کرده در آنجا جواب داده است هیئت اعزامی ابوالحسن بنی صدر بمنطقه ترکمن صحرا که سرپرستی آنرا شیخ الاسلام از سپاه پاسداران بعینه داشت عصر دیروز بههران بازگشت. اعضای ۹ نفری هیئت که همگی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی میباشند علت درگیریها را تحریکات انجام شده توسط چریکهای فدائی خلق و حمایت فئودالهای منطقه از آنها است. فردا وقتی افشاگری میکرده گفته است اسناد موثقی نیست و الان هم که در تلویزیون مردم نگاه کردند يك برگ پیدا شده که این امر اثبات بشود ما يك سندی داریم که در برخی از مطبوعات چاپ شده و نشان میدهد حتی گفته های خود آقایان در افشاگریهایی که قبلا کردند که عوامل ساواک و زمین دارها و عوامل هژبر زدانی در تمام روزنامه ها ذکر شده با کمیتها همکاری داشتند. در جنگ اول خود افشاگریهایی که این روزنامه انقلاب اسلامی کرد این مسئله را متذکر شده بود نفوذ اینها در کمیتها و سپاه، اخیرا يك نامه ای بدست ما رسیده که در برخی جراید هم جرح شده این نامه نشان میدهد و متن آنرا برای شما میخوانم که سپاه پاسداران چگونه از رئیس ساواک گنبد برای تحقیقات و همکاریهای لازم دعوت کرده است به آنجا بیاید. میگوید «چون عزت الله جهانگیری فرزند نعمت الله که در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ بدستور دادستان آقای هادوی از بند ۴ مرخص شده فعلا در اختیار سپاه است و چون وجودش در تحقیقات مورد نیاز است لذا در صورت لزوم میتواند به سپاه مراجعه فرمائید در صورت امکان گواهینامه رانندگی نامبرده که در پرونده اش ضبط است بایشان تحویل داده شود. امضا ستاد فرماندهی سپاه پاسداران منصوری.»

اسم این آدم هم در روزنامه فوق العاده شماره ۳ ما درج شده بود، عزت الله جهانگیری رئیس ساواک گنبد چه همکاری با سپاه پاسداران دارد و چه حقی دارد که از زندان بیرون بیاید؟

بنی صدر: قبل از اینکه شما به بخش دوم بروید شما يك سؤال کردید که چرا ترکمن در اینجا نیست. مسئله مهمی است و روضه مفصلی هم در این زمینه خوانندید. کی تقاضای بحث آزاد کرده بود؟ شما که خود را قیم آنها میدانید حالا ما قبول کردیم و شما هم آمدید اینجا داریم بحث می کنیم باید بشما گفت چرا خود را قیم آنها جا زدید و بجای

آنها آمدید اینجا با ما بحث می کنید حالا شما دو قورت و نیم تان هم باقی است. ما اگر آنجا می آوردیم از اینطرف می گفتید که اینها از ایادی شما هستند از آنطرف می آوردیم البته بنفع شما بود بشر یا اینطرفی یا آنطرفی است. شما تقاضای بحث آزاد کردید ما هم پذیرفتیم. ما با آنها هیچ مسئله ای نداریم شما اگر لطف فرموده آن مردم را بحال خودشان بگذارید و قیم آنها نباشید ما هیچ چیزی با آنها نداریم زمین می خواهند میدهم، پول می خواهند مال خودشان است. میدهم، امنیتشان را تامین میکنیم هرچه از دست یكولت ساخته است برای آنها میکنیم. اگر ما نکردیم شما بیائید بگوئید که این کارها را نکردید.

ما همه این کارها را انجام میدهم، شما قیم آنها ننسید اما اینکه آمدید شما خودتان تقاضا کردید بعد حالا میگوئید من خیلی متاسفم که فرد ترکمن در اینجا حضور ندارد. شما خودتان تقاضا کردید ما هم قبول کردیم الان هم میگوئید که آنها افراد ستاد جزو حزب شما هستند پس در واقع آنجا ستادی در کار نبوده به آن معنا شما بودید آنجا.

همین نقش قیمومی که اینجا دارید آنجا را هم داشتید. ما با مردم معمولی آنجا اصلا مشکلی نداریم، بگذارید اگر دیدید آنها با ما مسئله ای داشتند ما میرویم با آنها بحث آزاد می کنیم. بیایند تقاضا کنند ما میرویم با آنها آزاد انجام میدهم. شما آمدید تقاضا کردید. شما اگر این حق را برای خودتان نمی شناختید و برای خود آن مردم می شناختید اقلا این لطف را میفرمودید که میرفتید به آن مردم میگفتید مردم خودتان بیایند تقاضای يك بحث آزاد بکنید. آنها میامند. مطلب اینست که شما در این وسط چه کاره اید. که تقاضای بحث آزاد کردید؟ من اگر از آنها می خواهم که خودم خیال میکنم که اکثریت قاطع آن مردم هستند دعوت بکنم میگوئید که رفتند آنجا چرخیدند يك کسی که بنفعشان است آوردند بنام ترکمن. شما میگوئید ما کسی را دعوت بکنیم که باب طبع شما حرف بزند. این معنای دیگر ندارد، هر چیزی در دنیا طبق قانون انجام میگیرد شما که دولت نیستید بروید شوراها را تشکیل بدهید. قانون باید در ده و مجلس برود، خود مردم شوراها را انتخاب و درست میکنند که مسائل محلی شان را حل کند. نه اینکه شما از تهران بلند شوید بعنوان اینکه قیم آنها هستید بروید به ده و بگوئید بیایید شورا درست کنید و اینجا را هم انتخاب کن.

- چریک فدائی خلق: سئوالاتی که در این پرسشنامه

مطرح بود، گه اینهم يك پرسشنامه برخلاف ادعای آقای استاندار پرسشنامه مخفی نیست، بلکه يك پرسشنامه‌ای است که در آن منطقه بوده. این پرسشنامه بعنوان سندی که قبلاً در روزنامه‌ها افشا کردید. در این پرسشنامه سؤالاتی شده که یکی راجع به تقسیمات اداری بود که رفیق ما توضیح داد. من می‌خواستم بگویم در مورد خلقها که بزبان و فرهنگ خوششان بتوانند بیشتر زندگی بکنند، در مورد اینکه آن جدا گره‌های مکانیکی دوران شاهنشاهی باید از بین برود و اینها پلیستی حق داشته باشند با فرهنگ و عقاید خودشان مورد احترام همه ما باشند، بتوانند زندگی کنند. در رابطه با این ما قبلاً هم اعلام کردیم، شاه کردها را از هم جدا میکرد تا استان طبق دلخواه خودش درست کند و مردم کردستان وقتی که بخواهند آن خودمختاری که صحبتش است کسب میکنند، بایستی قاعدتاً آن سیستم ایالتی که شاه میگفته به آنها تحمیل نمود. ما يك سیستم جدید ایالتی را قبول نکنیم. این چیزی نیست، بنظر من درست است و فکر نمیکنم آقای رئیس جمهور هم با این مسئله که ما آن سیستم ایالتی دوران شاهنشاهی را کنار بگذاریم، مخالف باشد. بنابراین سؤال ایشان که روی آن تاکید میکردند بنظر من بی‌مورد است.

و اما در مورد همین مسئله بگویم و آن اینکه اگر یادتان باشد شاه همیشه در صحبت‌هایش میگفت و مردم را از آن می‌ترسانید او سعی میکرد نیروهای انقلابی را تجزیه طلب نشان بدهد و بگوید بمردم که این نیروهای انقلابی وابستگی دارند بعد میگفت میخواهند ایران را ایرانستان بکنند. خیر آقا مردم ما خوب میدانند، این خودمختاری که ما در اینجا صحبت کردیم، این زبان ترکمنی که صحبت شد، این عوض شدن سیستم ایالتی که در اینجا صحبت کردیم و آقای استاکال بعنوان يك توطئه آمدند و ارائه میکنند، ما این را اتفاقاً برای یکپارچگی میهن‌مان لازم میدانیم. ما معتقدیم اگر فرهنگ سنن - آداب مردم‌مان مورد احترام باشد، و با يك سیستم جدیدتری که مورد قبول تمام خلقهای ایران باشد، مطمئن باشید که یکپارچگی و استقلال ایران خیلی بهتر حفظ میشود. من میخواهم بگویم آن کسانی که سعی میکنند این حق را برای مردم هر منطقه قائل نباشند، کسانی هستند که یا میدانند و یا نمیدانند عملاً اختلاف بین مردم ایجاد میکنند. باختلافات دامن میزنند. بنابراین من این را همین جلا اعلام میکنم برای مردم میهنم که ما وقتی

میگوئیم خودمختاری یعنی که این مردم آن آزادیهایی که اعلام کردیم فرض کنید در قلمناحیه ۲۶ ماده‌ای هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام شده، آن آزادیها را داشته باشند و با برسمیت شناخته شدن آن آزادیها برای مردم هر منطقه مطمئن باشید که استقلال و یکپارچگی ایران حفظ میشود. شاه بزور سرکوب سعی میکرد که نشان بدهد اینجا زیر یوغش است. هیچ جا را نداشت همانطوریکه دیدیم که با يك حرکت دو روزه چطور سرنگون شد. ما اعلام میکنیم آن خودمختاری که برای خلقهای ایران آن آزادیهایی که اعلام کردیم برای خلقهای ایران نه تنها برای خلقها لازم است تا بتوانند بهتر زندگی کنند و ستم ملی از بین برود. بلکه برای استقلال و یکپارچگی میهن‌مان لازم میدانیم و چون بااستقلال و یکپارچگی ایران عشق میورزیم برای اینست که تاکید داریم

بنابراین آن صحبت‌هایی که آقای استاندار بعنوان مدرک کردند ما افتخار خودمان میدانیم. در مورد تشکل گفتند من اینجا یادداشت کردم که ایشان آن ستوالی که شوراهای تشکل مردم را روی آن تاکید کردند که طوری نشان بدهند که این تشکل برای چیست، مردم باید تشکل داشته باشند. و اما در مورد شوراهای باید بگویم آقای استاندار این خواصی که ما در اینجا آورده بودیم که شورا بایستی برود اموالی که فلان جا هست بردارد و بگیرد، آن چیزی که در ایر پرسشنامه است که سؤال شده بود این وظیفه هر شورای واقعی است. شورای واقعی حق دارد در امر تولید - کاشت و برداشت و در دامداری و باز تولید دام و حفظ تمام مایملکی که در يك منطقه زیر نفوذ شورا است چنین حق دارد بنابراین چیزی کشف نکردید بلکه همانطور که گفتم این نظر است.

رضائی از سپاه پاسداران: این آقایان صحبت کردند هنوز همان فرماندهان سابق بر سر کار هستند. آنها بمحض اینکه کوچکترین اطلاعی پیدا کردند که يك امریکائی جاسوس در دستگاه ما است بلافاصله بدون کوچکترین ترنگ اقداه کردند و اتفاقاً تمام اشکالات ما در رابطه با همین امریکائیه‌ها است که اگر وجود داشته باشند شناسائی میشوند. وضع‌شان روشن میشود این بوده که اینها اصلاً در درگیریها با سپاه همکاری نمیکردند، اینها اصلاً حاضر نبودند کوچکترین قدمی بردارند مگر اینکه تا بحال عمل شما در خط امریکا نبوده، مگر چه کسی از این عدم برقراری يك

حاکمیت سیاسی در کشور سود میبرد شما خودتان میگوئید ۲ هزار نفر هستید، مسلماً شما نمیتوانید، شما تلاش دارید، خیالتان اینست ولیکن در جهت امریکا عمل میکنید. از طرف دیگر ادعا میکنید که ما قبلاً مبارز بودیم. اولاً مگر شما فکر میکنید که برادران سپاه مبارز نبودند، تمامی مدارک نشان میدهد و ملت ما را می‌شناسد. علت اینکه ملتی يك رئیس جمهور را با ۹۹ درصد رای میدهد و انتخاب میکند با قاطعیت، شناخت صحیح آن میباشد. در رابطه با سپاه هم همینطور.

از طرف دیگر اگر قرار است زندان رفتن و شکنجه دینن دلیل باشد که وحید افراخته که خود اعتراف ساواک این بوده که چهار سال ساواک را پیش برده و تیر خلاص مجید شریف واقفی بزرگ مردمجاهد ما را او زده، همچنین در رابطه با صمد لیاف که انشاءالله در رابطه با این فردی که دستگیر شده بنام تقی شپهرام ما تمام مدارک را بر ملا می‌کنیم و رابطه را روشن می‌کنیم، ایشان درست است جزو چریکهای فدائی بوده، ولی مارکسیست که بود و از طرف دیگر حداقل آنهاست که زندان بودند و شکنجه دیدند پس بیاییم از این بعد صحبت کنیم و به‌بینیم شما در رابطه با این ملت چکار کردید. اینکه شما میگوئید پاسدارها اینطور هستند. اولاً شما از همان اوایل درگیری شماری را که در همه جا مطرح میکردید این بود که باید پاسداران از شهر خارج بشوند روی چه حسابی. این آیا همان اشتراک شعار با امریکا نیست، پاسدارها از مملکت خودشان خارج بشوند. پاسدارها با برادران کرد ما چه فرقی دارند. شما وقتی که رادیو تلویزیون را تسخیر میکنید و نمیگذارید که صدای نمایندگان ملت بگوش خودشان برسد و بعد نشریه پخش میکنید و با این ترتیب که سؤالات کاملاً القاء شده بود و در اذهان مردم قرار می‌دهید، بعد میگوئید که ما دمکراتیک بودیم و ما روشهای صحیح يك انقلابی را عمل کردیم.

از طرف دیگر مردم گنبد ایرانی و مسلمان هستند، رهبر را قبول دارند شما توجه نکردید بنامه‌ای که شما متأسفانه به امام نرساندید، در این نامه ۲۰۰ نفر امضاء کردند و چه خالصانه و صادقانه از امام تجلیل میکنند و میگویند ما میدانیم مشکلات چه است ولیکن بما هم برسید. آنها می‌دانستند که صدایشان نمیرسد. وقتیکه منتخبین ملت در اینجا وجود دارد لزومی ندارد ملت یا افرادی از ملت اینجا

وجود داشته باشند ما از ملت هستیم، رادیو تلویزیون در اختیار ملت است. شما می‌آئید مسئله شوراهای مطرح میکنید چه حرف خنده‌داری مسئله شوراهای ماها قبل از این در شورای انقلاب مطرح شده و حل گردیده. شما چرا در شوراهای دخالت کردید و اینها را در جهت نیات و هدفهای خودتان سوق دادید. شما میگوئید سؤالات القاء نیست و بعد میگوئید که سؤالات معمولی است. يك سری سؤالات معمولی است. حضرت علی میفرماید اگر حکمت در دل متناقض است شما کسب نکن. ممکن است شیوه‌های شما با شیوه‌های مردم فرقی نداشته باشد ولیکن آن سؤالات نظامی چیست. چرا شما مسئله جنگ تحمیلی را دارید در اذهان مردم از ۵ - ۶ ماه پیش میدوانید اگر برادر دیگر ما فرصت پیدا کند و بگوید که سپاه در آنجا در ساعت ۱۰، روز بیستم وارد جریان میشود، در حالیکه شما درگیری را همان شب آغاز کرده بودید اعلامیه‌هایتان حاکی از این مسئله است.

دراز گیسو معاون فرمانده گنبد: ما وقتی صحبت از گنبد میکنیم منطقه‌ای مثل چین نیست که دور باشد و نتوانیم برویم. هر کدام از ما اگر سوار اتومبیل بشویم در مدت ۶ ساعت میرسیم بمنطقه‌ای که صحبت از آن است و بعد آنجا می‌بینیم این مسائلی که صحبت شد واقعا باین ترتیب بود یا نه اوضاع دیگری در آنجا است، مسئله اینست که شوراهای قبلاً گفته باشم که فرماندار گنبد پیش از درگیریها من نبودم البته آن چند روز بودم و الان هم در گرگان هستم و مادر گرگان سه منطقه ترکمن نشین داریم، بنابراین در این منطقه که قسمت زیادی ترکمن سکونت دارد صحبت میکنیم و این صحبت را بعیده مردم میگذاریم که بروند در واقعیت قضیه و در آنجا تحقیق کنند و به‌بینند آیا این مسائلی که ما میگوئیم بوده و یا نبوده چه است.

از ابتدای روزهای بعد از انقلاب که من آنجا مسئولیت داشتم، گفتیم کخدا و مقامات دیگر را قبول نداریم هر دهی که آمدند گفتیم بروید خود شما انتخابات بکنید و افرادی را خودتان معرفی کنید و ما اینها را بعنوان نماینده شما قبول خواهیم داشت و تمام امور را با اینها در میان میگذاریم و حسن کار ما هم این بود که تمام اشکالات و دردها را بخودشان گفتیم و آنها هم آگاه بودند و بهمین جهت هم هیچ تقصیری نداشتیم.

شما لعا دارید که شوراها را در ترکمن صحرا تشکیل دادید. لولا شما اگر بخود خلقها معتقدید باید خودشان انتخاب کرده باشند و ما این کار را کردیم و خودشان هم با ما در تماس بودند و هستند و مرتب رفت و آمد دارند و نماینده‌های جهاد سازندگی ما در قسمت‌های ترکمن نشین آن منطقه خودشان هستند. و در تمام طول تابستان هفته‌ای یکی دو بار خود من میرفتم بین آنها در اکثر دهاتشان مردم آنجا هستد و در جشن‌هایشان رقصیم، فیلم هم برداشتمند و صدایشان از تلویزیون مازندران پخش شد.

در آنجا کانون دیگری هم بنام کانون اسلامی فرهنگی ترکمن هم هست. شما علیه آن اعلامیه دادید مگر آن ترکمن نیست بزبان ترکمنی هم روزنامه دارد. این شد ترکمن و آن یکی شد ضد ترکمن اینکه نمیشود، او هم ترکمن است. منتها شما یک روشی دارید که هر کس که از اینطرف بود مرتجع است.

شما میفرمائید که مردم با ستاد هستند، هیچ مسئله‌ای نیست. چالب اینجا است شما چرا یعنی در واقع فدائیان خلق طبق گفتار خود شما مجریان برنامه‌های آنها بودند، شما به چه حقی اجازه دادید که صندوقهای رفرا ندم را در موقع اخذ رای برلی ریاست جمهوری آتش بزنند. اگر این ترس نبود که مردم بیایند رای‌شان را آزادانه بدهند دیگر آتش زدن نداشت.

- چریک فدائی: این را چهل می‌کنید. آنرا ثابت کنید. معاون فرمانده گنبد در ادامه اظهارات خود افزود بنده و شما فردا صبح سوار اتومبیل میشویم میرویم در دهات آیا این را قبول دارید و از مردم آنجا سؤال می‌کنیم.

اسلحه‌ای که شما میگوئید از یادگانه‌های گنبد - گرگان و کلا استان مازندران گرفته شده اصلا اسلحه‌ای گرفته نشده اما حمله شده برای اسلحه. طی یکماه بعد از انقلاب درست هنگام رفرا ندم برای جمهوری اسلامی. من در این مورد سند نشان میدهم گلوله‌هایی که در نقاط مختلف سوراخ کرده است و خود مردم هم که آنجا هستند. برای اینکه انموقع شما درگیری را آغاز کرده بودید. پس بنابراین صحبت از مردم و یا حکومت مشخصی نیست برای شما که بگوئیم رژیم قبل باین دلیل که شما با آن مخالف بودید حمله کردید و اسلحه‌هایش را گرفتید و حال آنکه این حمله برای گرفتن اسلحه در این رژیم درست یکماه بعد از آن که هیچ

رژیمی در دنیا نمیتواند در مدت یکماه مسئله را حل کند شما این کار را کردید.



استاندار مازندران گفت: من در اینجا در پیشگاه ملت عرض میکنم که شورا وسیله است، نه هدف. و شورا را، يك ده را، ما از آقایان درخواست کردیم که بما اعلام کنند که آن مردم درخواست آن شورا کرده باشند، بحث ما این بود که با این دفترچه این خطمشی را فدائیان خلق بوسیله ستاد ترکمن در منطقه القاء کرده شما دیدید برادر ما نام برد. در دهی که ۱۴۰ خانواهد است و بطور متوسط ۷۰۰ نفر میشود ۸-۷ نفر آمدند يك شورای ۵ نفری را درست کردند و تحمیل نمودند. بحث ما اینست که در شرایطی که فدائیان خلق هیچ نوع همفکری و همراهی با دولت جمهوری اسلامی از بدو انقلاب تا این ساعت نداشتند، ملتی که ۹۸/۲ درصدش آمده، رای داده، دین و آئین و خطمشی خودش را اسلام انتخاب کرده، سؤال من از شما اینست که شما چه کاره این ملت ترکمن بودید که قبل از اینکه آنها از شما خواستی داشته باشند شما بیایید ۳۰۴ سؤال در این دفترچه تنظیم بکنید و با خطمشی که الان اعلام میکنم بسیار خوشوقت میشود و تئورستی از فدائی خلق بیاید و ثابت کند که يك خطمشی بی‌نظری را بجامه بشری القاء میکند. این خطی است که افراد را در جهت فدائیان خلق تجهیز میکند برای مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی ایران. برای اینکه اسلامی که میگوید ان اکرمک عندالله اتیکم، مسئله نژاد، رنگ و زبان را حل کرده برادر ترکمن خود را در اغوش می‌پذیرد. رئیس‌جمهورش میگوید بچه‌های ترکمنی فرزندان امام‌اند. شما خواستید این وحدت ریشمدار اسلامی را تحت عنوان يك حربه تژادی که ۱۴ قرن اسلام با این حرفها مبارزه میکند، شما بیایید تحت عنوان افراد لر، کرد، عرب و تضادهای دینی، چون راهی جز این ندارید. شما نمیتوانید بیایید بگوئید ما میخواهیم در مهد اسلام با این قرآن پرتوانش خطمشی مارکسیستی در این مملکت پیاده کنیم. چون نمیتوانید این کارها را بکنید میگوئید می‌آیم در خط میوزی انهایی را که با نام فدائیان خلق بشکلی میتوانیم آشنا کنیم و تشکلی در جهت طاغوت ایجاد کنیم این تشکل را میدهیم تردیدی نیست که در کنار تشکلتان خطمشی مارکسیستی خودتان را پیاده می‌کنید و آنجا است که ما

می‌بینیم در مهد ملت متحد مسلمان چهره‌هایی نظیر شما با بهره‌گیری از نیروهای تسلیحاتی و با بهره‌گیری از ذخائر ملت ایران می‌آید افرادی را تجهیز میکنید که علیه این آب و خاک و علیه دولت اسلامی و علیه حکومت وقت تجهیز بشوند و بجنگند و بعد هم موقیمیکه می‌بینید در این بحث آزاد از عهده این سوالات بر نمی‌آید میگوئید جا نداشت از آن برادر ترکمن که پاینجا بیاید صحبت شود. شما درخواست بحث آزاد کردید الان که از عهده جواب دادن به سوالات ما بر نمی‌آید، ندای ترکمن - ترکمن تپنکند. غافل از اینکه این اسلام عزیز است که همه را بدام خودش دعوت میکند و با وحدت کلمه که امام فرمود همه را در يك پوشش اسلامی و متحد و در خط مشی امام که همان خطمشی خدا و انبیاء انهی است دعوت می‌کند آنوقت شمائید که با این خطمشی القانی میخواهید عملاً با يك روش تسلیحاتی علیه ملت ما بجنگ آئید.

یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق: آقای رئیس‌جمهور، آقای عرووی استاندار آذربایجان شرقی نامه‌ای نوشته به رفسنجانی - در این نامه نوشته است من مخالفم نه فئودالها را مسلح کنم این غلط است - این باعث بسامانیهای شده این درست نیست. من در شورای انقلاب هم گفتم این در روزنامه کار است. آقای رئیس‌جمهور شما در کردستان یادتان است وقتی آقای بهادران نماینده آیت‌الله منتظری رفت و اطلاع آورد که مقامات مملکتی فئودالها را مسلح کردند. وقتیکه گفت ظهیرنژاد و چمران فئودالهای محلی را مسلح کردند شما این را در روزنامه انقلاب اسلامی نوشتید مردمی که با آن مخالفت میکردند با فئودالها مخالفت میکردند و شما حتماً این را می‌پذیرید و این را بگوئیم آقای رئیس‌جمهور در آنجا حادثه «قارنا» که اتفاق افتاد شما گفتید اگر قارنا راست باشد وای بر ما و راست بود و حالا تکرار هم شده در ترکمن صحرا با ترور رهبران شوراها و دهقانی ترکمن صحرا و هنوز هم من میگویم وای بر ما.

بنی‌صدر: ما مطالبی را که می‌پرسیم شما آنها را جواب بدهید والا در این کشور خرابی زیاد بوده. من بشما میگویم شما که اینهمه میگوئید ما می‌خواهیم اینها دین خودشان را داشته باشند، آیا این ملت حق ندارد دین و فرهنگ خودش را داشته باشد؟ ۹۹ درصد رای دادند و می‌خواهند اینطور زندگی کنند. شما چه میگوئید. این را جواب بدهید. مگر

شما نمی‌گفتید که ما سئوالهای عادی کردیم. وقتی این حرفها را می‌زنید قصد دارید که نظراتان را القاء کنید. نظر خودتان را چرا پنهان میکنید؟ اگر من جای شما بودم این شجاعت را داشتم، میگفتم بلی من میخواستم با این سئوالها این نظر را القاء بکنم.

یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره سوالات بنی‌صدر گفت: ایشان گفتند شما مارکسیست هستید و ما هم اعلام کردیم در تمام جزواتمان نوشتیم ما مارکسیست هستیم این ایدئولوژی ما است و فکر ما است.

بنی‌صدر: مارکسیست یعنی ستایش و پرستش زور، و وقتی رسیدیم به بحث ایدئولوژی برای اینکه زورت را تحمیل کنی این کار گر بیچاره را پنهان میکنی. مارکسیسم یعنی ایدئولوژی بر پایه زور در مقام تقدیس زور و هیچ راهی هم جز اعمال زور نمی‌شناسد. آیا مبارزه فکری باید با اسلحه باشد؟



یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران: کار چریکهای فدائی ما همین ایدئولوژی در سراسر ایران تبلیغ میشود. و برای بدست آوردن آزادی هم که این امکان تبلیغ را برای ما فراهم بکند مبارزه کردیم. نیروهای دیگر هم مبارزه کردند. ما میگوئیم همه چیز مال ما است. هر کس که مردم تاییدش کرد او به حاکمیت میرسد و بددالت میرسد. ممکن است که رهبری پیش‌بیاید، زور اسلحه‌بگذارند و حکومتی را تحمیل کنند بمردم، ولی آن حکومت آخرش حکومت شاه از آب درمی‌آید و سرنگون میشود. هر کس هم دروغ گفته باشد و ظلم و ستم کرده باشد این طور میشود. ما طرفدار اکثریت هستیم. ما همواره بخاطر مردم جنگیده‌ایم و خواهیم جنگید. این را همین جا میگوئیم و تا آخرین قطره خون خود برای دفاع از منافع دهقانان و کارگران در برابر امپریالیسم و سرمایه‌داری می‌جنگیم. در ویتنام هم بخاطر مردم و با ایدئولوژی خودشان می‌جنگیدند. آنها هم همه مارکسیست بودند و حزب کمونیست آنها را رهبری میکرد. ما در تمام مناطق و روستاها و در تمام شهرها فعالیت سیاسی کردیم و به مردم گفتیم مردم منفعت شما در چه چیز است، در اینست که شورا داشته باشید و شورای شما

اینطوری باشد و هر جا هم که به حقوقتان تجاوز کردند جلوبشان می‌ایستیم شما هم اگر مدافع مردم هستید بروید آن فتوایهایی را که در منطقه بودند زمینهایشان را بگیرید و به مردم بدهید. آقای رضا اصفهانی طرحی داده که اخیراً هم تسویب شده ما آن طرح را گفتیم مترقی است.

یکی دیگر از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران: در جواب سؤال آقای رئیس‌جمهور می‌گویم ما بارها اعلام کردیم که جنگ با دشمن است. دشمن امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. ما اعلام کردیم که در دولت جناحهای مختلفی وجود دارد و چطور است. دیدیم چطور از آیت‌الله خمینی حمایت کردیم همه مردم ایران دیده‌اند و همه شاهدند و شما دیدید که ما چطور با حزب جمهوری خلق مسلمان برخورد کردیم و وقتی که همه مردم آذربایجان میدانند ما با حزب جمهوری خلق مسلمان چطور برخورد کردیم. حزبی که معتقدیم به امپریالیسم آمریکا وابسته بود و سختگوی سپاه پاسداران در قم گفت که اینها همکاری کردند می‌خواهم بگویم که در درون شما چه می‌گذرد. آقای رئیس‌جمهور من می‌خواهم این را صراحتاً بگویم که مربوط میشود به مردم ایران و مردم ایران بایستی بدانند که ما چه می‌گوئیم. ما فقط با امپریالیسم آمریکا و با دشمنان خلق می‌جنگیم و اعلام کردیم که در درون صفوف خلق و در درون مردم هر نوع مخالفتی بایستی از طریق مبارزه سیاسی و مبارزه غیرمسلحانه و مبارزه آشتی‌نقیر ادامه پیدا کند. این اساستنامه سازمان ما است و به همه مردم اعلام می‌کنیم.



در این مبحث دوم که پیشنهاد شد بحث کنیم. دو مسئله مطرح است که مسئله دوم اهمیتش در رابطه با انقلاب ایران و در رابطه با خونهایی که بخاطر آن ریخته شده است، بسیار بسیار بیش از مسئله دیگر است. دو مسئله یکی شروع درگیری و برخوردی که در گنبد پیش آمد، و دوم مسئله ترور چهار نفر از رهبران دهقانان ترکمن صحرا است که از نظر ما پنجو کاملاً روشن و واضحی در اسارت ترور شدند و پوشش‌هایی از جانب آقایان صورت گرفته که این مسئله را لوٹ میکند. من بطور خلاصه در این رابطه صحبت می‌کنم؛ از معقها پیش ستاد شوراها و کانون فرهنگی و سیاسی خلق

ترکمن هشدار میدادند فتوایهای منطقه که دستشان از زمینهایشان کوتاه شده و دهقانان که بعد از انقلاب به پیروزی رسیدند و زمینها را در اختیار خودشان گرفتند در فکر توطئه هستند. عواملی هم از مرتجعین به آنها کمک میکنند و دسته‌بندیهایی بوجود آمده در شهر که منتظر جنگ‌افروزی هستند. بطور مشخص اعلامیه داده بودند که قصد حمله به ستاد شوراها و کانون فرهنگی و سیاسی در بهمن ماه دارند و کمیته‌های مخفی تشکیل داده بودند. آخوندی بود بنام سیامی که در آنجا کمیته مخفی تشکیل داده بود و عده‌ای از فتوادلها پول گذاشته بودند و سلاح تهیه کرده بودند که در این روز يك راهپیمایی راه بیاندازند در روز ۲۰ بهمن و جنگ را به مردم ترکمن صحرا تحمیل کنند و این وسیله‌ای بشود که شوراها برچیده بشود. روز ۱۹ بهمن روز سالگرد حمله به پاسگاه سياهکل و اولین جرقه‌ای است که سازمان ما در آن شرائط شروع کرد و ما این را بعنوان روز تاسیس سازمان خودمان هر سال جشن می‌گیریم. مطابق مقررات معمول نامه‌ای به فرمانران شهربانی و استاندار و دیگر مقامات مسئول نوشتیم که ما يك راهپیمایی داریم و مقامات هم موافقت کردند پس از اعلام موافقت مقامات دولتی این راهپیمایی اعلام شد. روز قبل از راهپیمایی اتفاقاتی میافتد که قابل ملاحظه است. در ساعت ۵ بعد از ظهر اطلاعیه‌ای در شهر توسط دو نفر پاسدار بخش میشود. متن اطلاعیه به این شرح است: به تاریخ ۱۸ بهمن ماه «بدینوسیله با اطلاع می‌رساند که انجام هرگونه راهپیمایی توطئه‌آمیز از نظر سپاه پاسداران انقلاب و دادستان انقلاب محکوم بوده و از برادران و خواهران مسلمان تقاضا داریم با هوشیاری کامل اینگونه راهپیمایی‌ها را که از سوی حامیان امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم ترتیب می‌یابد شناخته و خنثی نمایند بدیهی است که سپاه پاسداران به حکم وظیفه الهی و ملی خود از هر گونه دسیسه جلوگیری خواهد کرد». این اطلاعیه بعد از اطلاعیه‌ای است که سازمان برای راهپیمایی داده بود. يك گروه اعلامیه داده بود دعوت به راهپیمایی کرده بود يك گروه دیگر با آن مخالفت کرده بود. ما می‌خواهیم در اینجا توضیح بدهیم آن گروهی که مخالفت کرده بود سپاه پاسداران بودند و دادستان انقلاب اسلامی. بعد که مراجعه میشود به دادگاه انقلاب اسلامی آقای شریبانی معاون دادستان تکذیب میکند که این امضای ما

نیست و مسئول سپاه پاسداران گنبد تأیید میکند که این اطلاعیه را ما منتشر کردیم.

وقتی که به مسئول سپاه پاسداران گفتیم که فرماندار و استاندار و شهربانی با این راهپیمایی موافقت کردند می‌گوید ما با اینها کاری نداریم ما از مقامات بالا دستور می‌گیریم و این اطلاعیه را طبق دستور مقامات مافوق خودمان صادر کردیم. یعنی در تهران. حالا چه کسی، باید رفت پیدا کرد. این عناوینی را که شما بما نسبت دادید بروید راهپیمایی اینها را برهم بزنید. صبح جمعه هم جمعیت از تمام اطراف میامده و شروع به راهپیمایی میکنند. شب قبل از آن ۴ نفر از رفقای ما و اعضای رهبری ستاد شورای ترکمن صحرا بنام‌های مختوم - توماج - واحدی و جرجانی در ستاد با یکی دو نفر از نمایندگان هیئت ۵ نفری صحبت میکردند و تا ساعت يك و نیم شب طول میکشد. بعد از نیمه شب بیرون می‌آیند. در میدان شهر، سپاه پاسدارها اینها را محاصره میکنند و ۴ نفر از آن دو نفری که از هیئت ۵ نفری بوده بازرسی میکنند. و اجازه میدهد بروند و این ۴ نفر را دستگیر میکنند البته مردم و ستاد خبر نداشتند که اینها را دستگیر کردند.

صبح روز ۱۹ بهمن که مردم از روستاها می‌آمدند برای شرکت در راهپیمایی، دروازه‌ها بسته بوده و به مردم میگفتند برگردید امروز درگیری میشود و عده زیادی از دهقانها برگشتند.

در چنین شرائطی ما با فرمانداری و شهربانی و سایر مقامات تماس گرفتیم که جریان این اطلاعیه چیست؟ سپاه پاسدارها در آنجا بسیار غیرمسئولانه رفتار کرده و بما گفته است شما ضدانقلاب هستید و توطئه‌گرید. به آنطرف مراجعه کردیم گفتند که ما بشما اجازه دادیم و راهپیمایی شما قانونی است. بعد هم آقای استاندار در مطبوعات و رادیوتلوویزیون اعلام کرد که راهپیمایی با موافقت است. شما اعلام کردید که با موافقت مسئولین بوده و جلوگیری از آن بخواسته مسئولین اجرائی نبوده، پس این اطلاعیه چیست. اگر این دو تا دولت يك دولت است پس این اطلاعیه چیست و اگر نیست پس تکلیف سازمانهای سیاسی را روشن کنید. و اینهم گفته شده که از تهران دستور گرفته شده و آن پاسدارها خودسرانه عمل نکردند.

بعد از این، درگیری شروع میشود. به تظاهرات حمله میکنند و صف تظاهرات بر هم می‌خورد آقای دادستان اعلام

میکند که با تفنگ ساچمه‌ای و اسلحه گرم به صف تظاهرات حمله کردند. استاندار مازندران تاکید کرد که با وجود تذکراتی که به مردم داده شده بود مخالفت با ادامه راهپیمایی از طرف مردم و بدون رابطه با دستگاههای اجرائی صورت گرفت و بر اثر پرتاب سهرای و شلیک با تفنگ ساچمه‌ای حدود ۲۵ نفر زخمی و ۲ نفر کشته شدند. (استاندار مازندران در اینجا این گفته را تکذیب کرد و گفت این حرف از من نیست. شما ملاک خودتان را روزنامه‌ها قرار دادید.)

عضو سازمان چریکهای فدائی در ادامه اظهارات خود گفت: بروید زخمی‌هایی که در بین ترکمنها است ببینید که با چه گلوله‌هایی زخمی شدند و بعد هم ببینید چه کسانی تفنگ ساچمه‌ای شکاری دارند. دهقانان یا فتوادلها؟

جای این گلوله‌ها که شلیک شده روشن است. روی بدن ترکمنها جای آنها است، میشود رفت تحقیق کرد که آیا شلیک شده یا نه؟ این روشن میکند که ابتدا از جانب کدام دسته شلیک شده است. بعد تیر درشت را مردم در روزنامه انقلاب اسلامی می‌بینند، به تاریخ یکشنبه ۲۱ بهمن است که ۱۲ پاسدار جوان شهید شدند. کی این خبر منتقل شده؟ روز شنبه ظهر و در رادیوتلوویزیون عصر روز شنبه این خبر از طرف سختگوی سپاه پاسداران پخش شده. بعداً خبر «۱۲ پاسدار شهید شد» از طرف سختگوی سپاه پاسداران در مرکز گفته شد، ولی بعد این سپاه و مقامات مسئول در منطقه این خبر را تکذیب کردند. چه تناقضاتی وجود داشته. این خبر روز دوشنبه ساعت ۲ بعدازظهر از رادیوتلوویزیون پخش شده و در آن ساعت هنوز هیچکس از سپاه پاسداران کشته نشدند. هنوز سنگری تر شهر تمبیه نشده بود و مردم هنوز در تحصن بودند.

ساعت يك و نیم بعد از ظهر به تقاضای خود آقای مصحف در گنبد تحصن برهم خورد. و آخرین نفراتی که از تحصن خارج میشدند مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. تا آن ساعت از جانب مردم گنبد گلوله‌های شلیک نشده است. و چرا نوشتند ۱۲ پاسدار شهید شد. تیت داشتند برای اینکه مردم تحریک بشوند که وای پاسدار کشتند بریزید آنجا بکشید. وقتی مردم ترکمن کشته بشوند می‌خواهید چه جواب بدهید. آخر سر هم وقتی دیدند نمیتوانند جلوی توپ بایستند شهر را ترک میکنند و میروند. تظاهرات روز ۱۹ بهمن ماه از جانب عده‌ای مورد حمله قرار گرفته و این حمله به تظاهرات، يك

روزی باید تکلیفش در مملکت روشن بشود. آن کسانی که می‌بایست تقاضای سیاسی را می‌خواستند بخون بکشند تکلیفشان با مردم روشن بشود. اگر بطور قاطع عمل بشود که نخواهد شد و جلوی این جماعت گرفته شود این جنگ اتفاق نمی‌افتد. دوبار مردم گنبد محکوم شدند که جوانپاشان را از دست بدهند. هم روز ۶ فروردین و هم روز ۱۶ بهمن که مسلحانه به میتینگ حمله کردند.

ما در خبری که در خبرنگارنامه‌ها نوشتیم و نمونه‌اش هم نزد شما است گفتیم که پاسداران تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز شنبه به مردم تیراندازی نکردند. از ساعت ده و نیم صبح شلیک هوایی کردند و ساعت یک و نیم بعد از ظهر شلیک زمینی شروع شد. در این فاصله دو کانون آتش بوده در بالای ساختمان علوی و طالی در میدان شهر. عوامل زمین‌داران بزرگ و باندهای سیاه جنگ را به مردم ترکمن صحرا تحویل کردند. پاسداران بیش از ۲۴ ساعت از شلیک پستی مردم خودداری کردند و بعد از آن کنار مهاجمان قرار گرفتند.

مردم درست ساعت یک و نیم بعد از ظهر شنبه پس از یک سخنرانی که از جانب نمایندگان کانون صورت گرفت با تقاضای استاندار موافقت کردند که گفته بود تحصن را برهم بزنید باعث آرامش شهر خواهد شد. آنها خواستهای خود را دوباره اعلام و شروع به ترک کانون میکنند از ساعت ۲ بعد از ظهر شنبه درست زمانیکه آخرین نفرات از تحصن خارج میشدند تیربار کالیبر ۵۰ سلاح سنگین سیاه پاسداران زمینی پستی مردم نشانه می‌رود مردم سراسیمه می‌گریزند و جنگ شروع میشود. تا این ساعت از آن دو کانون یکی خیابان بهار کاملاً بسته بود و تا آن لحظه یک تیر از جانب مردم شلیک نشده بود. بعد از شکسته شدن تحصن درگیری شروع شده و تمام شواهد عینی حاکی از اینست. بعد از اینکه تحصن شکست بعد از شلیک تیربار پستی ۲ نفر، جنگ شروع میشود و بصورت جبهه‌ای ادامه پیدا می‌کند. البته وقتی که جنگ شروع شد ستاد تا آخر پیش می‌رود تا آنجا که آقای استاندار که اول برای مردم دلسوزی میکردند دستور می‌دهند که شلیک نکنید، ایشان هم می‌بایست میگویند ستاد لانه فساد بود و مرکز توطئه بود و اسناد جاسوسی ستاد را ارائه دادند اینهمه از این نوع مطالب بوده است. باید ریشه‌های این مسائل را پیدا کرد که زیر سر چه کسی است و این

مصیبت‌ها را به ملت تحمیل میکند. ولی وقتی دیدیم که این مسئله اتفاق افتاده راهپیمایی را لغو کردیم و اطلاعیه هم دادیم که ما خواهان درگیری نیستیم. ما این را بحساب چه بگذاریم. جنگ که در گرفت وقتی ۲ نفر بخون غلطیدند دیگر جلوگیری از خشم مردم بخصوص وقتی رهبرانشان را دیشب دستگیر کردند و فرستادند مرکز برای اینکه مردم بخشم بیایند. امکان ندارد با این حال هنگامی که مردم شهر گنبد تقاضای آتش بس کردند بی‌توجهی میشود و تانکها وارد شهر میشوند و با تفنگ ژ ۳ و ام یک میشود جلوی خمپاره و تانک ایستاد؟ وقتی که مردم می‌بینند ارتش این کار را میکند مجبور میشوند از شهر خارج شوند.

مسئله ترور رهبران شوراهای

میرسیم بر سر قسمت بعدی. مسئله‌ای که تمام اذهان مردم را بخود مشغول داشته، ترور ۴ نفر از رهبران شوراهای ترکمن صحرا است. در اینجا روزنامه جمهوری اسلامی روز ۲۲ و ۲۳ بهمن اعلام کرد که توماج - مختوم - جرجانی و واحدی دستگیر شدند و به تهران اعزام گشتند. آقایان دیگر هم همین جواب را دادند. آقای خلخال و استاندار و دیگران چنین قضیه‌ای را تأیید کردند. اینها به تهران منتقل میشوند و در نزد سپاه پاسداران بازداشت می‌شوند که روز ۲۱ به تهران می‌رسند. تا روز ۲۷ بهمن در تهران در بازداشت بودند. روز ۲۷ تحویل سپاه پاسداران داده میشوند که به گنبد برای تحقیق در منطقه اعزام بشوند. دیگر ما اطلاعیه نداریم. بعد روز ۴ اسفند مطلب در روزنامه درز میکند که ۴ جسد زیر پل در ۱۲۵ کیلومتری بجنورد پیدا شده تا این روز هم هیچ خبری نیست و هیچکس از مقام مسئول ادعا نکرده این زندانی‌ها را برند و کشتند فقط همه اخبار در جواب استفسارهایی که ما کردیم یا خود اخبار روزنامه‌ها حاکی از اینست که اینها بازداشت شدند و به تهران اعزام گشتند. بعد از این قضیه، آقای استاندار اعلام میکند که من از قضیه اطلاعی ندارم. یک چیزهایی بمن گفتند و ما اینها را به تهران فرستادیم. آقای خلخال هم جواب میدهند که به تهران اعزام شدند. بعد از اینکه این اتفاق می‌افتد آقای خلخال و آقای استاندار و مسئول سپاه پاسداران در تهران اعلام میکنند که از قضیه مطلع نیستند که چه اتفاقی افتاده است تا اینکه آقای رئیس‌جمهور اعلام

میکند که یک هیئتی مرکب از ۹ نفر به ریاست شیخ الاسلام به گنبد می‌فرستند برای تحقیق. در این میان ما با خبر شدیم آن کسی که ما اطلاع پیدا کرده بودیم که این زندانی‌ها را تحویل گرفته و معاون سپاه بوده ناپدید شده و آقای خامنه‌ای هم روز جمعه میگویند وقتی یک قضیه کوچکی اتفاق می‌افتد آنرا بزرگ میکنند شاخ و برگ میدهند و می‌خواهند علم عثمان کنند و آنرا بر علیه جمهوری فلان و بهمان. وقایعی که فردا اتفاق می‌افتد دقیقاً نشان می‌دهد که صحبت آقای خامنه‌ای هم در این رابطه است.

اولین بار آقای خلخال حدس می‌زند و خودش می‌گوید احتمال میدهم که این عبه ممکن است در درگیری‌های گنبد بدست گروه‌های متخاصم کشته و اجسادشان را پس از دور کردن از منطقه در فلان جا انداخته باشند. تا اینکه نتیجه تحقیقات کمیسیون آقای رئیس‌جمهور مشخص میشود و گزارش آنرا خدمت ایشان میدهند و ایشان هم در سخنرانی که داشتند میگویند این ۴ نفر را در گنبد به ترتیبی کشتند که معلوم نبود و گفته میشد سپاه پاسداران انقلاب این کار را کرده است اما بعد معلوم شد ۲ گروه چریکی که جنگ را لازم میدانستند با یکدیگر برخورد داشته و گروهی از افراد گروه دیگر را کشته‌اند. بعد هم داستان اینست روز ۲۸ بهمن که پاسداران این ۴ نفر را می‌برند به گنبد در بین راه مورد تهاجم مسلحانه قرار میگیرند و این زندانی‌ها را از دست اینها خارج میکنند و بعد هم بدلیل اختلافات گروهی اینها را میکشند. این خبر دروغ محض است چرا؟ دلایل ما چیست. که ادعا بکنیم این حرفی که آقای رئیس‌جمهوری زدند نادرست است و آن حرف‌هایی که زده شده یک سر سوزن حقیقت ندارد و برای اغفال مردم است.

روز سه‌شنبه ۷ بهمن در گنبد اعلام میکنند که چون آن پاسدارانی که اینها را به تهران بردند و برگرداندند در درگیری‌های گنبد در سنگر کشته شده‌اند ما نمایانیم قضیه چه بوده. پس اینجا یک خبر رسمی از جانب مسئول سپاه پاسداران گنبد درج شده که پاسدارانی که اینها را از تهران می‌برند به آنجا در جنگ گنبد کشته شدند. بعد اعلامیه دیگری از طرف سپاه پاسداران مرکز صادر میشود و میگوید که این ۴ نفر در وقایع اخیر گنبد در تاریخ ۱۹ بهمن دستگیر شده و از همانجا به تهران اعزام شدند و در تاریخ ۲۸ بهمن مجدداً برای تحقیق بیشتر به اتفاق هیئت به منطقه فرستاده

شدند. در بین راه در فاصله بین علی‌آباد و گنبد اتومبیل حامل بازداشت شدگان مورد هجوم عده‌ای مسلح قرار گرفته و در نتیجه این درگیری دو تن از پاسداران مجروح شدند. این بار در ۹ اسفند پاسداران کشته نشدند و زخمی شدند و امکان تحقیق از آنها وجود دارد از ۲۸ بهمن تا ۹ اسفند ۱۱ روز فاصله است. در مدت این ۱۱ روز آقای رئیس‌جمهور شما خبر داشتید که این پاسداران زخمی شدند و این ۴ نفر زندانی فرار کردند و کشته شدند. آن پاسدارهای زخمی دوسطر گزارش نوشتند که زندانی‌های ما را زدند و برند.

چرا آقای استاندار میگوید من هیچ خبر ندارم چرا حاکم شرعی که آنجا فرستادند میگوید من از هیچ چیز اطلاعی ندارم و اگر این گزارش داده شده و پاسداران زخمی شدند و ۴ نفر زندانی را با ۲ نفر مأمور برترقه نمیکنند. بقیه آنها چه کار کردند. آیا فرار کردند پس چرا اگر فراری شدند گزارش فرار آنها روی پرونده‌ها نیست. اگر زخمی شدند چرا گزارش آنرا به رئیس‌جمهور ندادند. مسئله در ابعادی است که انقلاب ما را بی‌بازی گرفته است. بی‌ژن جزنی و سایر هم‌زمان هم همینطور کشته شدند. اگر این گزارش بوده چرا عنوان نکردند چرا به استاندار دستور ندادند بگیری کند که این جنایت اتفاق افتاده. چرا باید بعد از اینکه در مطبوعات درز پیدا کرد همه مردم خبر شدند که این اتفاق افتاده. این درست آقای استاندار آن شیوه‌های رژیم سابق است.

مردم حق دارند اگر فکر کنند که این درست مثل همان فاجعه سینما رکس آبادان میماند که شاه خودش این کار را کرد، بعد که دید گندش درآمد گفت که آنها بودند. یک نفر عراقی این کار را کرده است.

یازده روز فاصله سکوت. گفتار پر از تناقض. چرا برای اینکه روز ۲۸ بهمن به شهادت آن کسانی که مسئول سپاه پاسداران بودند و بعد هم برکنار شدند تحت نظر آنها این ۴ نفر به گنبد اعزام شدند و در بین راه ناجوانمردانه کشته شدند.

رضایی از سپاه پاسداران: من درباره علت درگیری صحبت میکنم. بعد چون خود برادر دیگر ما در جریانات بوده که سپاه چه وقت شروع کرد، مسائل را میگوید. در رابطه با علت درگیری ما قبلاً هم بحث کردیم که یکی از شیوه‌های گروه‌های قدرت‌طلب ایجاد آشوب و برهم زدن حاکمیت

مردم است. اگر مردم بتوانند حاکمیت خودشان را پیاده کنند قطعاً دیگر آن موقع گروهی قادر نخواهند بود که یک مشی خاصی را پیاده کنند. در همین رابطه قابل توجه است که کلیه مسائل توسط گروههای قدرت طلب دامن زده می‌شود. البته ناپستی نقش عامل اصلی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین‌المللی را فراموش کرد ولی شما توجه کنید که در جریان وقتی درگیری شروع می‌شود تمامی جناحها وارد می‌شوند هر کسی در نظر دارد جریان را به نفع خودش پیش ببرد همه اینها اشتراک دارند که بر علیه این انقلاب با زیربنای تفکر اسلامی و مبانی اسلامی مخالفت کنند. چه امپریالیسم امریکا و چه صهیونیسم و چه حتی کشورهای منطقه که در مراحل بعدی از این تقسیم‌بندی قرار دارند و چه گروههای قدرت طلب داخلی. انفجارات خرمشهر را چه کسی انجام میدهد. عوامل وابسته به یکی از کشورهای همجوار؛ در درگیریهای قبلی هفت هشت سازمان شرکت داشتند و ساواکیها هم در کنار اینها بودند و فتودالها هم شرکت داشتند. امروز همه اشکال ما با شما اینست که شما چرا خط سیاسی صحیح و برخورد صحیح را پیش نیاوردید و نیامدید به مردم کمک کنید اگر راست می‌گوئید. چه موقع با چه مدارکی در چه تاریخی شما امید به ارگانهای منتخب امام مدارکی را نشان دادید دال بر این باشد که فلان فرد چنین نباشد و اینها کاری نکرده باشند.

برادرها در رابطه با این نوع طرز فکر خاصی که این آقایان داشتند و همانطور هم که خودشان گفتند دقیقاً ستاد ترکمن را هدایت می‌کردند و ما معتقد بودیم که باید ستاد خلق‌های منطقه که در آنجا است، برادرهای زابلی - ترکمن و ترک ما که در آنجا هستند - چه برادران زابلی و ترک در مجموع حداقل ۳۵ درصد مردم منطقه را تشکیل میدهند - و خود همین ستاد خلق ترکمن جدائی بین دو تا برادر ترکمن و ترک می‌انگیزد در رابطه با این برخوردها و همانطور که برادر ما سوالات را مطرح کردند و آن القاء خاص برای مردم مشخص بود و چون اعلامیه هم در روز ۱۶ بهمن منتشر شده بود که آقایان میخواستند سالگرد سیاهکل را پیاده کنند و مردم با آن سابقه ذهنی که داشتند مترصد این مسئله بودند که احتمال درگیری وجود دارد و از همان شب به التهاب افتاده بودند برادرهای ما که تعریف می‌کردند میگفتند وقتی ما میرفتیم در شهر گشت میزدیم میدیدیم که بعضی‌ها دارند

شرایط درگیری کنید چرا که امپریالیستها که در کمین بهره‌چرشی هستند با آن سازمان‌های وسیع جاسوسی‌شان از این درگیریها بهره‌برداری نکنند. من در اینجا دنبال گزارش حوادث وقایع گنبد را به برادر دیگرم می‌سپارم که از نزدیک شاهد و ناظر جریانات بوده است.

مسئول سپاه پاسداران گنبد: چون میخواهم آغاز جنگ را تشریح کنم با همان نقشه‌ای شرح میدهم که از ستاد خلق ترکمن بدست ما افتاده و تمام علائم و تمام پیش‌بینی‌هایی که جنگ میبایستی صورت میگرفته نشان میدهد.

این نقشه‌ای است که بعد از تصرف ستاد خلق ترکمن بدست ما افتاد. اول نکاتی را که در نقشه نقطه‌گذاری شده شرح میدهم. این ستاره که چهار فلش دارد نقاط مهم شهر را مشخص میکند ستاره پائینی نقاط حساس و حیاتی را نشان میدهد ستاره دیگر که مقداری از آن سفید است ادارات دولتی را مشخص میکند و ستاره پائین‌تر مراکز حساس شهر را مشخص میکند و ستاره بعدی بانکها است. مثلث علامت بمب‌بازین‌ها و ستاره دیگر علامت پاس روزانه و این ستاره پاس شبانه و این ستاره زنجیری علامت دور منطقه هیزم‌خیز و این خط زنجیری علامت دور منطقه استحفاظی است که نشان میدهد از قبل طرحهایی برای درگیری داشتند همانطور که در پرسشنامه بود و شهر را دقیقاً در کنترل داشتند بطوریکه از خطی که جاده مشهد چنابا میشود و وارد گنبد میشود، هر فردی در هر زمانی که وارد میشد در نقاط مختلف شهر گشتپائینی با موتور سیکلت بودند که کنترل دقیق شهر را داشتند که وارد کدام منزل میشوند و دقیقاً افراد را کنترل میکردند و چندین بار ما مسیر اینها را تعقیب کردیم و افرادشان موتورسوارهای دورترک بودند، شناسائی کرده بودیم. این مسیرهایشان بود که پاس‌های روزانه و شبانه داشتند و مرتب در تماس بودند و اینها بیشتر از محصلین استفاده میکردند و با بعضی از اینها که ما صحبت کردیم ماهیانه ۳۰۰ تومان هم باینها حقوق میدادند. سپاه در این قسمت ضلع جنوب شرقی شهر مستقر بود که کنار شهر بود و روز ۱۶ بهمن اعلامیه‌ای از طرف ستاد خلق ترکمن منتشر میشود و مردم را دعوت به راهپیمائی روز ۱۹ بهمن میکند. در این جریان فعل و انفعالاتی در سطح شهر بوقوع می‌پیوندد که مردم جریان یک درگیری را مشاهده میکنند. وقتی مردم این فعل و انفعالات را می‌بینند، آذوقه انوزی که در منازل فتودالها صورت میگرفته می‌بینند، به

سپاه متوسل میشوند که باز این يك ندای درگیری است و سپاه در روز ۱۸ بهمن يك اعلامیه منتشر میکند و راهپیمائی را اجازه میدهد ولی توطئه را محکوم میکند. یکی از مسئولین ستاد به سپاه مراجعه میکند میگوید اعلامیه را شما دادید؟ سپاه میگوید بله ما دادیم مگر راهپیمائی شما توطئه‌آمیز است. ولی در این میان دست‌هایی است که میخواهد اغتشاشاتی بکند شما مواظب باشید این راهپیمائی فردا با این جوی که شهر نشان میدهد توطئه‌آمیز است و بعد هم قبول میکنند و میروند. روز ۱۹ بهمن همانطور که در دهات شایع کرده بودند که روز انقلاب را می‌خواهند جشن بگیرند حدود ۱۰ هزار نفر را بشهر میاورند و راهپیمائی از میدان یادبود شروع میشود و مقررشان هم در مقابل آموزش و پرورش بود. مردم ترک و فارس وقتی شعارها و صحنه‌ها را می‌بینند که علیه جمهوری اسلامی است باین گروه حمله میکنند وقتی حمله میکنند شهرهایی وارد عمل میشود که مردم را متفرق کند که در این میان سه اتومبیل شهرداری و يك پلیس را خلع سلاح میکنند که توسط مردم پاسبان را پس می‌گیرند. در این جریان سپاه وارد عمل میشود و با صبر و توجه‌ای که ب مردم میکند مردم را وادار بعقب‌نشینی میکند در این میان يك نارنجک از بین متحصنین بطرف مردم پرتاب میشود که ۲۸ مجروح و ۲ شهید باقی میگذارد ولی با این حال سپاه مردم را کنترل و دعوت به آرامش میکند. در این میان سپاه، انتظامات شهر را بهمه می‌گیرد تا روز جمعه ۱۰ صبح که به سپاه خبر میدهند که در قسمت شمال شهر اسلحه وارد میشود. البته ناگفته نماند وقتی اینها دست به تحصن میزنند سرودهایی می‌خوانند و شعارهایی میدادند که تمام علیه سپاه بود. وقتی که رفقای ما گفتند و معتقدند که سپاه بهترین ارگان بوده و خوب عمل کرده ولی می‌بینیم که اولین شعاری که در قطعنامه‌شان، قرائت میشود خواستار خروج سپاه هستند من نمیدانم اگر سپاه خوب کار کرده و از خود مردم است چرا خواستار خروج آن هستید این مسئله‌ای بود که مردم را ناراحت کرد که به شهرهایی و ژاندارمری هجوم آوردند که اگر شما دخالت نمی‌کنید و پاسخ اینها را نمیدهید اجازه بدهید ما دخالت کنیم که سپاه باز از مردم خواست که دخالت نکنند اگر حرکتی شد ما قاطعانه جوابگو خواهیم بود. این مسئله همان طور که عرض کردم روز شنبه بود و اینها که در تحصن بودند مشغول سنگر بندی هم بودند. البته يك سری در منازل که بسمت پل امامزاده میرفت در

تمام منازل از قبل شاید سه الی چهارماه که خود من دیده بودم سنگرها وجود داشت. ولی در کنار خیابان و در مقابل ستادشان و جنب باغ ملی سنگر بتونی درست کردند و ۵۰ سانت دیوار کشیدند این قبل از واقعه بود و تمام مردم شهر شاهد هستند و وقتی درگیری شد قبل از درگیری کلیه برادران و خواهران ترکمن ما صحنه را خالی کرده از شهر خارج شده بودند. ساعت ۱۰ صبح برادر شهید ما زنده یاب و احمد قنبری که فرمانده و معاون عملیات است با مسئول اطلاعات با جیب بدون اسلحه بشهر میاید و در سطح شهر گشت میزنند وقتی که از میدان یادبود برمیگردند بسمت اینها با یوزی و «ژ - ۳» حمله میشود و وقتی برادر ما برمیگردد و باینجا هشدار میدهد که حرکت مسلحانه را شروع کردند همین که سنگرشان آماده میشود تحصن را می شکنند، رگبار مسلسل ها بود که بصدا درآمد و اولین شهید ما برادر قنبری بود که اولین تیر به مغز فرمانده عملیات خورد. این صحنه نشان میدهد که اینها از قبل کاملاً تدارک دیده بودند. وقتی که اخبار ساعت ۲ بعدازظهر پخش شد کلیه برادران پاسدار ما از شهرستانهای اطراف بسیج شدند و بکمک برادران آمدند و سنگرهای بود خیلی قطور و وقتی من دیدم اصلاً تعجب کردم که ساختن این سنگر کار یکروز نبود که ما با توپ ۱۰۶ بزور این سنگر را خراب کردیم. در این موقع بود که درگیری شدید شد و برادران ما که در ساختمان های حساس شهر مستقر بودند با تمام وجود پاسداری میکردند و همانطور که ایشان گفتند که برادر ما کالیبر ۵۰ زدن من منکر نمی شوم سپاه ما کالیبر ۵۰ دارد ولی متأسفانه خراب بود که ما بعداً توانستیم از زاندار مری بگیریم. وقتی بسمت ما شلیک میشود و کلیه برادران ما از ناحیه مغز تیر خوردند و من تعجب میکنم اینها که آمادگی جنگی نداشتند مادون قرمز از کجا آورده بودند که در تاریکی شب مکر میشود بدون مادون قرمز تیراندازی کرد که وقتی تعداد شهدا و زخمیهای ما زیاد شد ما مجبوراً از ارتش خواستیم وارد عمل بشود و تماسی که تیمسار شادمهر شخصاً با من گرفتند گفتند که ارتش کلیه امکاناتش در اختیار شما است. اگر اینها عقب نشینی نمیکنند و آتش بس را نمی پذیرند به عملیات خودتان ادامه دهید و مسلم است وقتی ما وارد عملیات بشویم. اصلاً فلسفه وجود يك پاسدار شهادت است ما برای حق همیشه مبارزه می کنیم که حق را از باطل جدا کنیم و غیر از سنگر شهر شاهد است هرگز تیر ما به جای دیگر اصابت نکند و خوشبختانه شهر

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی؛ یکی از چریکهای سازمان اشاره کرد به شرکت ارتش در حوادث گنبد. باستحضار ملت قهرمان ایران میرسانم ارتش يك نهاد انقلابی است البته ارتش جمهوری اسلامی ایران و پاسدار انقلاب نیز يك نهاد انقلابی است. کلیه نهادمای انقلابی مکمل یکدیگر هستند. رسماً بتوان تولید نیروی زمینی اسلام میکند در هر زمانی، هر مکانی، تحت هر شرایطی پاسدار انقلاب نیاز به پشتیبانی داشته باشد بلادرنگ و بدون مصایقه پشتیبانی اعمال خواهد شد.

دخالت ارتش در گنبد بنابه تصمیم شورای تأمین شهر زده است. شورای تأمین شهر هم به متابعت از خواست اکثریت مردم گنبد اقدام میکند. و این رویه در سرتاسر کشور جمهوری اسلامی ایران معمول است. در گنبد نقاط حیاتی و حساس و مهم که بوسیله مهاجمان متصرف شده بود بوسیله برادران پاسدارمان پس گرفته شد. وقتی که پس گرفته شد ارتش اقدام به حفاظت و تأمین و نگهداری کرد. هنگام برقراری حفاظت و تأمین در این نقاط یا مناطق، ارتش مورد هجوم و حمله قرار گرفته است. در چنین صورتی ارتش مصمم و قاطعانه دفاع میکند دفاع حق مشروع و مشروط هر موجود، هر انسان هر مسلمان و هر ارتشی است. محکم و مردانه هم دفاع میکند.

ارتش معتقد است که در داخل يك ملت فقط يك ارتش و يك نیروی مسلح وجود دارد هر نیروی مسلح غیرقانونی دیگری غیر از ارتش در قالب ملت ظهور کند و امنیت ملی را به مخاطره بیاندازد، ارتش اقدام بدور کردن آن خطر و خشی کردن آن خطر یا اقدام چنین مخاطراتی خواهد کرد.

اینجا اشاره شد که با توپخانه های مردم را در گنبد منهدم کردند، این بیان مبین نارسائی وجدان قضائی این عنصر چریک فدائی است مادر گنبد به گواهی همه مردم مستقر در منطقه توپ نداشته ایم و نداریم. اشاره شد که ارتش دشمن مردم است. ارتشی که بعد از پیروزی انقلاب صدها کشته و هزارها ملول و مجروح برای استقرار امنیت در این نظام جمهوری اسلامی ایران داده است نمیتواند ضد مردم باشد.

باز یکی از ماموریت های ارتش حفظ دست آوردهای انقلاب است. هر عامل، هر خطری، هر يك از دست آوردهای انقلاب را تهدید کند و در مخاطره قرار دهد ارتش رسماً اقدام میکند.

اینجا ناچوانمردها اشاره شد به مسلح کردن فتودال های

کردستان بوسیله آقای دکتر چمران و تیمسار ظهیرتژاد اگر مدرک دارید رسماً اعلام بفرمائید. الآن همینجا اعلام کنید. در حضور ملت قهرمان و مبارز ایران. تکذیب می کنم نه تیمسار سرتیب ظهیرتژاد اقدامی در این زمینه کرده است نه دکتر چمران. سند و مدرک دارید ارائه نمائید و اگر آن درست بود بقیه اظهارات شما هم درست است.

نماینده چریکها و یا ترکمن صحرا:
نماینده آیتاله منتظری و نماینده امام خمینی در روزنامه
انقلاب اسلامی نمیدانم چه کسی شاید تیسار.

زمانیکه ما در روز دوم جنگ روز یکشنبه غروب بود که ما وارد منطقه شدیم با تماسهای غیر مستقیمی که گرفته شد آنجا بطور آشکار گفتیم بر خلاف آنچه که ادعا کردید که مقامات مسئول آنجا در دسترسی و در تماس نبودند شما در روزنامه نوشتید که مرتب تماس تلفنی با ما داشتند. ابتدا غیر مستقیم بود که ما گفتیم آمدیم اینجا جنگ را بر چینیم و آرامش را برقرار بکنیم روز دوم ما رفتیم در فرمانداری چندین هزار نفر (البته اگر آنها را مردم به حساب بیاورید) اینرا در نواری که از ما دارید (مکالمه در آنجا ضبط است آمده) بودند و تفنگ و اسلحه میخواستند که بیایند در مقابل ستاد، یعنی در مقابل شما بچنگند. ما آنجا صریحاً اعلام کردیم که به هیچ کس اسلحه نمیدهیم و به هیچ وجه چنین امری جایز نمیدانیم چون نماینده امام در منطقه با ما بودند بما حمله نکردند و ما توانستیم دو مرتبه بر گردیم به پادگان و همان جمعیت آمد طرف پادگان و چون آنجا با موانعی روبرو شد نمایندهای فرستاد آنجا گفت که بما اسلحه‌های بدهید برای جنگ، آنجا صحبتی شده فیمابین که ایشان حضور داشتند و آقایان هم بودند گفتیم به هیچ وجه اسلحه نمیدهیم. حمله نیست، گفتند ما میاییم و میگیریم خود من آنجا گفتم همه‌تان را به رگبار میبندیم اگر یک قدم جلو بگذارید، به هیچ وجه، به هیچ کس اسلحه داده نمیشود. برای اینکه میخواهیم در منطقه جنگ نباشد، روز بعد یعنی یکشنبه آقای ارزانش با ما تماس گرفتند ابتدا با آقای نورمختی و بعد با من و

انجا ما نظر اتمان را گفتیم، گفتیم اسباب، علل و عواملی که جنگ را بوجود میآورند عبارتند از اینها ۱-۲ نظر ما راجع به مسئله فتوای لیس، سرمایه‌داری عبارت است از اینها، حالا گفته‌اند زمینه برای جنگ وجود دارد. گفتیم پس چی گفتند شما چه میگویند گفتیم هیچی جنگ بدون جنگ، تمام سنگرها خالی شود و شما بر گردید و ارتش را میگذاریم برای چند روزی مستقر شود و بعد هم حالت طبیعی نشیبه، گفتند تا آتش بس موقت و مذاکره، گفتیم آتش بس موقت یعنی چه، آیا غیر از این است که آتش بس موقت

یعنی تجهیز کردن خود و حمله مجدد اگر شما واقعاً راست میگویید این آتش بس دائم و کامل برای همیشه نپذیرفتند مدت‌ها برای آن مسئله صحبت بود با شخص دیگری با اسم مستعار انصاری من فکر میکنم که شما تمام این نوارها را داشته باشید و خواهش من این است که اینها را پیدا کنید دقیقاً آنچه را که ما گفتیم در آنجا که ضبط هست همه را پیاده کنید. بگذارید مردم قضاوت کنند در آنجا صحبت از این شد گفتیم آتش بس از ۴ تا ۶ گفتیم خیلی خوب از ۴ تا ۶ و از ۶ هم فرصت این باشد که سنگرها همه خالی شدند و نیروهای ارتش بیایند آنجا و جایگزین بشوند ۴ آتش بس بود یکی ربع بعد از آتش بس رفقای شما حمله کردند به مخابرات. ما تلفن کردیم به همان شماره که خود شما داده بودید و تلفنتان هم حتماً ضبط داشت که میبایست بعنوان مدرک ضبط شود مراجعه کنید به آنجا یعنی قرار این بود اگر به سنگری حمله شد گزارش بشود. از طرف شما هم تلفن میشد که

آنا شد ما هم میگفتیم بیه اگر شده چشم. ما تلفن کردیم و گفتیم که شما به مخابرات حمله کردید. گفتند: ما هنوز حتماً به آنجا نرسیده که بگویند دست از حمله بردارند گفتیم خیلی خوب یک ربع بعد مجدداً تلفن شد که آقا چند نفر را دارند آنجا زخمی میکنند. درست در حین آتش بسی که شما قبول کرده بودید درگیری بود و شش نفر را آنجا زخمی کردند و بالاچار ما آنجا تصمیمی که شورای تامین گرفت ارتش فرستادیم و آنجا هیچ حمله‌ای نکرده اگر کرده میتوانید و بروید آثارش را ببینید. شهر گنبد حاضر است و بهترین دلیل و مدرک ما هم آنجا است. اما اطلاعاتی که شما در این زمینه دادید با ادعایی که داشتید. رهبری مسئله را بعهدہ داشتید بنظر من بسیار ناقص بود یا مخصوصاً مسائل را طرح کردید یا اینکه گفتید مثلاً آخوندی به اسم سیامی، طرح یک آخوندی بنام سیامی یعنی چه میخواستید روحانیت را بد جلوه بدهید، سیامی یک کنار من باز نشسته است. بیه تحریک هم میکرد و به سزای عملش هم رسید. پس همه اطلاعات شما ناقص بود و من چند نمونه اینجا داشتم. آنهاهی که در سنگر مبارزه میکردند در مردم نبودند و در تظاهرات هم ما محلی هستیم و میشناسیم از گرگان بودند. بپرسید از مردم از همه نقاط استان آنجا آمده بودند و این البته یک حق طبیعی است. نمی‌گویم چرا آمده بودند. آنها بودند و در روزهای درگیری تنها جنگجویها بودند که آنجا مانده بودند. و اگر مردم بودند خاطراتان جمع باشد که پیروز میشدند. مگر در بوکان نبود که مردم با مشت خالی فریاد الله اکبر فقط با نیروی ایمان در مقابل آنهمه توب و تفنگ و اسلحه رژیم آریامهر پیروز شد. با اسلحه که پیروز نشدند فقط با اسلحه و مشت خالی بنا بر این در این جنگ، شما، البته شما صورتان این بود که مثل جنگ گذشته طولانی خواهد شد و ادامه پیدا خواهد کرد و کار به جاهای دیگری خواهد کشید. این تصور به غلط درآمد و علت واقعی آن هم این بود که مردم حمایت کردند چون مردم بعنوان پشتیبان و پشتوانه شما در سنگر تمانندند این یک واقعی است. میخواهید بپذیرید و نپذیرید اما قضاوت بعهدہ مردم است که بروند در منطقه ببینند. و در آن جنگ قبل مردم از شما آگاهی نداشتند و بنا بر این در نقاط دیگری هم این جنگ را ادامه دادند. اما در اینجا فقط میبینیم که شهر گنبد است. آن حمله که گفتیم شما به پاسگاهها کردید آنموقع در جنگ اول بود.

ما اعلام میکنیم خود مختاری برای خلقهای ایران آن آزادی‌هایی که اعلام کردیم برای خلقهای ایران نه تنها برای

خلقها لازم است تا بتوانند بهتر زندگی کنند و ستم ملی از بین برود بلکه برای استقلال و یکپارچگی میهن لازم میدانید و چون به استقلال و یکپارچگی میهن عشق میورزیم و این را نشان دادیم برای این روش تاکید داریم بنا بر این آن صحبت‌هایی که آقای استاندار بعنوان مدرک نشان دادند ما اقتضای خودمان میدانیم در مورد تشکل که گفتند من یادداشت کردم که ایشان آن سؤال تشکل و شورا را در آن تاکید کردند برای اینکه نشان بدهند تشکل برای چه، خوب مردم باید تشکل داشته باشند، اما در مورد

شوراها: در مورد شوراها آقای استاندار از این آورده بودیم که شورا بایستی بره آن اموالی که فلان جاست در اختیار بگیرد آن چیزی که در آن، پرسشنامه است که سؤال شده بود این وظیفه هر شورای واقعی است مگر شورای فرمایشی و یک شورای ساختگی این اختیارات را ندارد شورای واقعی حق دارد تولید و کشاورزی و امر کاشت و داشت برداشت و در دامپروری در امر تولید دام و پرورش دام و حفظ تمام املاک که در یک منطقه زیر نفوذ شورا است چنین حقی دارد بنابراین چیزی کشف نکردید بلکه این نظر ماست و فکر نمیکنم کسانی که به شورای واقعی نظر داشتند این را محکوم کنند.

سپاه پاسداران: آقای رضائی - این آقایان صحبت کردند که هنوز همان فرماندهان سابق سر کار هستند ما به محض اینکه کوچکترین یک آمریکائی یا یک جاسوس در دستگاه اجرائی است بلافاصله بدون کوچکترین درنگ و اتفاقاً تمام اشکالات ما در رابطه با همین آمریکائی است که اگر شناخته بشوند بلافاصله دستگیر میشوند و اینها در درگیریها با سپاه همکاری نمیکنند اینها حاضر نبودند کوچکترین قدمی بردارند شما و اعمال شما مگر تا به حال آمریکا نبوده مگر چه کسی از عدم برقراری یک حاکمیت سیاسی در ایران سود مینبرد. شما خودتان میگوئید ۲ هزار نفر هستید مسلماً شما نمیتوانید شما تلاش دارید نیتتان این است ولی دارید در جهت آمریکا تلاش میکنید از طرف دیگر ادعا میکنید که ما مبارزه میکنیم و سیانور زیر داندانمان بود اولاً مگر شما فکر میکنید که برادران سپاه مبارز نبودند؟ تمامی مدارک که ما به هیچ وجه نمیخواهیم تعریف از خودمان بکنیم علت اینست که ملت یک رئیس جمهوری را قاطعانه با ۹۹٪ انتخاب میکند بعلت شناخت صحیح آنهاست، در رابطه با سپاه هم همین طور و بعد شما می آئید از خودتان تعریف میکنید از طرف دیگر اگر زندان رفتن و شکنجه دیدن دلیل باشد آقای وحید افراخته که اعتراف ساواک این بوده که چهار سال ساواک را پیش برده تیر خلاص آقای مجید شریف واقعی بزرگ مرد مجاهد ما را این زده همچنین در رابطه با صمدیه لباف که انشالله تقی شهبام که دستگیر شده ما تمام جریان را رو میکنیم ایشان درسته چسبیکهای فدائیان نبودند، خوب مارکسیسم که بودند و از طرف دیگر حداقل این بده که زندان بوده و شکنجه دیده این خیانت پس بیائید از این بعد بگوئیم.

چریک فدائی صحبت آخر: ما کوشش خواهیم کرد اگر فرصت مناظره بود و اگر چنین فرصتی بود و از طریق روزنامه سازمان، روزنامه کار و از هر طریقی که بتوانیم صدایمان را به گوش هموطنان برسانیم کوشش خواهیم کرد که نشان بدهیم که ما خواستار صلح هستیم ما خواستار هیچگونه درگیری میان صفوف خلقهای ایران نیستیم و معتقد هستیم که هر کس به چنین درگیریایی دامن بزند عامل امپریالیزم و در درجه اول عامل امپریالیزم آمریکاست ما میخواهیم همه سلاحهای طرف دشمن اصلی یعنی امپریالیزم آمریکا و همه قلمها بطرف آمریکائیانانه برود.

اما، این مسئلهای که خیلی مهم است و آقای رئیس جمهور باید پاسخ بدهند مسئله ترور ناجوانمردانه رهبران شوراهای دهقانی مردم ترکمن صحرا، اینها در اسارت شهید شدند اینها در بازداشت بودند. در بازداشت سپاه پاسدارها بودند و بعد به زندان منتقل شدند و همه مقامات رسمی هم قرار قبول دارند. و این هم میدانیم که حفظ جان هر زندانی به عهده زندانبانان است این راهمه دنیا قبول دارند و باز استدلالاتی که رفیقمان کرد

آقای رئیس جمهور هیچ کس، هیچ کس قبول نکرده که یک گروه جعلی اینها را بد شهادت رسانده ما همانطوری که اعلام کردیم اکثریت سپاه پاسداران از مردم رحمتکش تشکیل شده اعلام میداریم بدون شک در این سپاه جناحی بوده جنگ طلب که اینها را ترور کرده و این ترور، تروری که ساواک در زمان شاه کرد و تهرانی نخود ترور بیژن جزئی و فدائیان و مجاهدانی که با آن شهید شده بودند میگفت بسیاری از مردم ما گریستند امروز آن فاجعه در مملکت ما تکرار شد مربوط میشه به سرنوشته مبارزات میهن ما، ما از آقای رئیس جمهور میخواهیم نمایندگان نیروهای انقلابی، نمایندگان مورد اعتماد مردم، نمایندگانی از شوراهای کاری و دهقانی مردم بروند و روی این فاجعه تحقیق بکنند آقای رئیس جمهور اگر این فصل لوٹ بشر این به مبارزات مردم ما مربوط میشد و این تقویت آن جناح ارتجاعی که به این جنایت دست زده ما میخواهیم این روشن بشه و از شما میخواهیم یاری بکنید در کشف این بیژن نو بری یک بار در تبریز گرفتند. در یک خانه امنی در تهران مخفی کردند در روزنامه جمهوری اسلامی نوشتند که در راه پیرکان دزدیده شده در صورتیکه در خانه امنی در تهران شکنجه میشه از سوراخ گولر فرار کرد سه روز بعد از اینکه آن خبر را نوشتند، آقای رئیس جمهور ما اعلام خطر میکنیم که چنین جناحی وجود دارند کشتار و نداد ایمانی - برادران میرشکاری - عقیقی در کرمانشاه اینها بدین سادگی نیست و نمیشود و به سادگی از آن گذشت.

آقای بنی صدر

این که به من گزارشاتی رسیده باشد کتاباً راجع به این مسئله تا بحال ندیدم اینجا من این مسئله را بشوخی فرض کرده باشم، نکردم بنابراین با جدیت تعقیب خواهم کرد نه از با روی چهار نفر، مهم است بدلیل اینکه این کسانی که این مباحثات را شنیدند و شنیدند که یکصدای مسلحانه با دولتی مقاومتی کرده اند و اینکه این دولت را مردم ۹۹٪ به آن رای دادند اینها در هر دادگاهی در هر جای دنیا قادر به محاکمه بودند و مسئله این نیست مسئله حق مردم است که بدانند در آنجا چه گذشته و این اشخاص چه مسئولیتهائی را داشته و تحقیقات کافی میشود و مردم میدانستند که چرا اینها درجائی که خود شما میگوئید مسئله زمین است و خوب ما هم که حاضریم برای زمین و قانون تصویب کردیم کجای کشور و کدام کشور سوسیالیستی در دنیا که شماها انقلاب کردید، سال اول مسئله را حل کرده و یا بعد از این همه سالها حل

کردند که شما این لازم باشد مسلح باشد و این سنگرها را بسازید و کسی هم از شما این را باور نمیکند عزیز من اینجا مردم عقل دارند کی از شما باور میکند که ۱/۵ بعد از ظهر شما تونل زدید تو خانهها و اینها به هم وصل شد. پس بنابراین این، اینها تدارکی بود و این مسئله باید کشف میشد یکی از وسائل دیگرش همان آدمها بودند پس ما خوب حق داریم بگوئیم که پس چه دستهایی بوده که اینها را زده... پس مردم ما خود ما حق داریم بدانیم که اینها چطور می شد یکدفعه نیست شدند قبل از اینکه اصلاً ما فرصت کنیم اینها چه میگویند پس چرا این بساط را علم کردند. ما این مسئله را تعقیب میکنیم هر خطایی از ناحیه هر کس باشد این را در چند مدت به مردم میگوئیم و آن حکومتهایی را که شما خیال کردید، ما نیستیم که خیال کنی خطا را آقا کرده، نشده بنده پرده پوشی کن چگونه ایشان استاندار حکومتند این حرفها نیست و از آنجا در روزنامهها نوشتیم که تعقیب را ادامه میدهیم تا حقیقت کشف شود و حقیقت را هم به مردم میگوئیم بدون هیچ زیر و روئی باشند خدای نکرده در این دستگاهها باشند. خطائی کرده باشند ما آنها را مجازات میکنیم اما شما مردم و خوردش این جوانها و عقلانی که اینجا نشسته، چریکهای فدائی خلق، نمیتوانید ستایش بکنید یک رژیم را که در این دنیا از شما دو قرن به این طرف نمونه بیاورید که رئیس جمهورش باشما ۸ ساعت صحبت بکند و در این چهار ساعت یک کلمه تند و توأم با عصبانیت از دهان این رئیس جمهور از دهان این رئیس دولت خطاب به شما در نیاید و اینقدر تحمل داشته باشند و اینکه من از ساعت ۶ صبح کارم را شروع کردم و کلام الان منگ است با این همه این را بشما عرض میکنم. همین قدر این همه تحملی که در اینجا می بینید همین قدر بی تحمل در وقتی که شما میخواهید چیزی را بزور و بحرف بسا تحمل کنید همین نرمشی که اینجا می بینید عکس قاطعیت است وقتی شما میخواهید بزور مطالبی را به ما حالی بفرمائید و چه رسد به اینکه بزور بخواهید یک مسئلهای را یکجا تحمل بکنید شما بگوئید.

